کارگران همه کشورها
متحد شوید!

کار

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

مرگ بر امپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

دوره دوم – سال چهارم شماره ۴۴

اول مهر ماه ۱۳۶۶ – ۸ صفحه – ۶۰ ریال

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت

آغاز هشتمین سال جنگ

- تلاشهای رژیم برای ادامه جنگ را با شکست مواجه سازیم
- لشکرکشی آمریکا و متحدین به خلیج فارس را شدیداً محکوم می‌کنیم
- ما خواهان اجرای فوری قطعنامه ۵۶۸ شورای امنیت هستیم

جنگ خمینی وصدام وارد هشتمین سال خود می‌شود. جنگی ارتجاعی که جز درد و ویرانی و کشتار هیچ نتیجه‌ای نداشته است. جنگ طی هفت سال صدها هزار نفر از مردم هر دو کشور را کشتار کرده است. هزاران کارخانه، مزرعه، شهر و روستا با خاک یکسان شده، اقتصاد کشور فلج گشته و میلیونها نفر از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند. همه‌ی امکانات و منابع کشور به خدمت جنگ درآمده و از به اصطلاح برکت جنگ فقر و محرومیت بی‌سابقه‌ای نصیب زحمتکشان گردیده است. خمینی به بهانه جنگ خواستها و مطالبات کارگران، زحمتکشان و دهقانان را پایمال و بی‌سابقه‌ترین استبداد و اختناق را در کشور ما حاکم کرده است. هر سال رژیم با وعده "پیروزی"، جنگ را ادامه می‌دهد، اما با حملات جنایتکارانه، زبونی و جنون خود را بیشتر نمایان می‌سازد. واقعیات زندگی نیات جنگ طلبانه خمینی را نقش بر آب کرده است. مبارزه و مقاومت علیه جنگ و جنگ‌افروزان وسعت یافته و امکانات رژیم برای بسیج نیرو محدودتر شده است. اعتراض و مخالفت مردم علیه جنگ و نیز فشارها و ابتکارات کشورهای صلح دوست جهان، در میان دارودسته حاکم اختلاف و تضاد را دامن زده و حکام جمهوری اسلامی را در ادامه سیاست جنون آمیز خود در تنگنا قرار داده است. در جریان افتضاح "ایران گیت" نقشه زد و بند مخفیانه خمینی با امریکا و عوامل اسرائیل افشا شد و باعث تشدید بحران رژیم گردید. اکنون برای رژیم چشم‌انداز دست یابی به اهدافش در جنگ بیش از هر زمان تیره و تار است. با فشاری جنایتکارانه و جنون آمیز سران جمهوری اسلامی در ادامه جنگ و سیاست های ماجراجویانه و غیرمسئولانه آنان در خلیج فارس به جنگ ابعاد منطقه‌ای داده است. ادامه جنگ سبب شده است تا امپریالیسم امریکا و متحدان آن در تعقیب نقشه‌های جنگ افروزانه و تجاوزکارانه خود وسیع‌ترین نیروها را در خلیج فارس متمرکز کنند. لشکرکشی بی‌سابقه امریکا و متحدان ناتوئی آن به خلیج فارس خطری جدی برای صلح و امنیت در منطقه و جهان است. امریکا در فکر تثبیت حضور نیروهای مشترک امپریالیستی در خلیج فارس است. لشکرکشی امریکا و همدستان وی به منطقه برضد مصالح همه کشورهای منطقه و برضد مصالح صلح و تشنج زدائی در جهان است.

رژیم جمهوری اسلامی پس از تشکیل نیروهای امپریالیستی به خلیج فارس با ردیگر می‌کوشد جنگ امریکا خواسته را به اصطلاح فدا امپریالیستی وانمود سازد. هووجنجال تبلیغاتی رژیم در این باره در خدمت سرپوش گذاردن به بحران حکومتی و سرکوب اعتراض مردم علیه وضع موجود است. خمینی می‌خواهد از نفرت فدا امپریالیستی مردم سوء استفاده

بقیه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بزرگداشت هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر

درفش صلح، استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم را هرچه با شکوهتر برافرازیم

هفتادمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر فرا می‌رسد، انقلابی که گویای چرخش بنیادین تاریخ در سمت پی ریزی زندگی مبتنی بر عدالت، برابری و برادری بشری بود. انقلاب اکتبر نخستین سنگ بنای جهان نوین بود. جهانی که زیر آتش اردوی بهره‌کشان پیش می‌رود و اردوی رنجبران و ستمدیدگان را به آماج والای خود، به جامعه آرمانی و جهانگستر بدون بهره‌کشی، ستمگری، تبعیض نژادی، ملی و جنسی نزدیک می‌کند.

با پیروزی انقلاب اکتبر تحت رهبری حزب بلشویک که اندیشه‌های لنین بزرگ راهنمای آن بود، اولین کشور سوسیالیستی جهان تولد یافت، طبقه کارگر برای اولین بار در جهان به قدرت رسید و پرچم رهائی همه زحمتکشان را برافراشت.

پیروزی اکتبر چشم‌اندازهای امیدبخشی برای رهائی خلقهای سراسر جهان گشود و پشتوانه قدرتمند جنبش‌های رهائی بخش ملی گردید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای همه رزمندگان راه آماجهای بشری، ارزش‌هائی را به ارمغان آورده است که هر روز بر اهمیت آنها افزوده می‌شود.

سوسیالیسم در روند هفتاد سال پویش و پیکار

سوسیالیسم در روند ۷۰ سال پویش و پیکار راهی دشوار و نابسامان پیموده را طی کرده است. با برپائی نظام سوسیالیستی در شوروی کارگران و زحمتکشان خود بر سرنوشت خویش حاکم شدند و از طریق شوراهایشان در

بقیه در صفحه ۲

دروغهای نخست وزیر حزب اله

به مناسبت هفته دولت، مردم ایران ریزودرشت جمهوری اسلامی، طبق روال همیشگی به تعریف و تمجید از "خدمات" دولت "خدمتگزار" پرداخته و از موفقیت‌ها و محسنات دولت حزب الهی و درخط "امام" دروغها سرهم‌بندی کرده و تحویل خلایق دادند. آنچه که در این میان جالب بود، تفاوت سخنان خلیفه جماران با موسوی نخست وزیر بود. درحالیکه خمینی برخلاف سالهای قبل، از رجزخوانی درباره موفقیت دولت دست برداشت و "برای حل مشکلات"، "زندگی درویشانه" را تبلیغ کرد، موسوی نخست وزیر به ستایش از "خدمات" و "افتخارات" دولت "خدمتگزار" پرداخت و دست آخر مدعی شد که: "یکی از افتخارات ما این است که ... سرمایه‌داران وزراندوزان در کشور ما حاکم نیستند و حاکمیت اقتصادی در دست مستضعفان است و سیاست دولت خدمتگزار در جهت مبارزه با زراندوزان است و به سمت فقرزدائی درجامعه حرکت می‌کند" (نماز جمعه تهران ۶ شهریور ۶۶).

مردم محروم میهن ما که زیر بار فقر، بیکاری، گرسنگی، بی‌خانمانی و استبداد مذهبی به ستوه آمده‌اند، با پوست و استخوان خود "خدمات" این دولت "خدمتگزار" تجار "محترم" را طی سالهای حاکمیت اسلام به خوبی آزموده‌اند.

مردم به خوبی می‌دانند که ره‌آورد ۸ ساله حاکمیت آخوندها، جز جنگ، استبداد و قتل و خونریزی، فقر عمومی، بیکاری، دربدری و انحطاط فرهنگی و اخلاقی و ... چیز دیگری نبوده است. هم اینک تحت فشارهای کمرشکن اقتصادی و از جمله گرانی سرسام‌آور، زحمتکشان میهن ما حتی از تأمین مایحتاج اولیه خود ناتوانند. در اثر سیاستهای ضد مردمی همین رژیم است که امروز در میهن ما سنگ

بقیه در صفحه ۴

اعلامیه مشترک احزاب کمونیست و کارگری کشورهای خاورمیانه عربی درباره

اوضاع متشنج خلیج فارس

با بالا گرفتن تشنج در منطقه خلیج فارس در پی تمرکز نیروهای جنگی کشورهای امپریالیستی، نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی منطقه خاورمیانه (احزاب کمونیست عراق، لبنان، سوریه، اردن، فلسطین، مصر و جبهه آزادیبخش بحرین) در اوایل ماه گذشته طی نشستی به بررسی پیرامون اوضاع منطقه پرداختند و اعلامیه مشترکی در این رابطه دادند.

در این اعلامیه ضمن اشاره به تمرکز نیروهای جنگی امریکا و برخی کشورهای عضو ناتو در خلیج فارس که منطقه را در معرض خطر جدی قرار داده و صلح و امنیت بین المللی را تهدید کرده، آمده است: "... اکنون قریب ۷۰ ناو جنگی با هزاران تفنگدار دریائی در خلیج متمرکز شده‌اند. این بزرگترین تمرکز نیروهای دریائی امریکا و پیمان ناتو پس از پایان جنگ علیه ویتنام است. ایالات متحده امریکا که به آغاز جنگ ایران و عراق کمک کرده است، اکنون با نادیده گرفتن آفکار محافل اجتماعی صلحدوست، آتش این جنگ را دامن می‌زند و از آن به عنوان بهانه‌ای جهت گسترش مداخله خود در منطقه استفاده می‌کند. دولت امریکا با دنبال کردن خط مشی تجاوزکارانه تمام فراخوان‌های مربوط به کاهش تشنج در منطقه

بقیه در صفحه ۳

خلق بلوچ علیه تبعیض و ستم، مبارزه می‌کند

با گذشت هر روز، فشار اختناق و فقر و محرومیت و ستم ملی در بلوچستان ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. طی ماه‌های اخیر بر تعداد کمیته‌چی‌های سرکوبگر اعزامی از مرکز و استان‌های همجوار به این منطقه باز هم افزوده شده است. گزمه‌های رژیم زیر علم مبارزه با قاچاق و قاچاقچیان، به منازل اهالی در شهرها ریخته و با قرق روستاها (بویژه روستاهای مرزی و مناطق عشایرنشین)، مردم بلوچستان را به شدت تحت فشار و کنترل قرار می‌دهند. در کنار این گونه اوباشگری‌ها، بگیر و ببند جوانان در شهرها و روستاها برای اعزام به جبهه‌های مرگ ادامه دارد. دستاورد جنگ برای مردم محروم منطقه علاوه بر مرگ عزیزانشان فقر و گرسنگی روزافزون است. اکنون گرانی سرسام‌آور به نحو دردناکی روزگار مردم را تیره کرده است. بیکاری مدام دامنه

بقیه در صفحه ۳

زندانی سیاسی درود خلق ایران برتو باد

- زندانیان سیاسی بند ۴ اوین دست به اعتصاب غذا زدند.
- ملاقات زندانیان گوهردشت قطع شد.
- پاسداران ارتجاع اعتراض جمعی خانواده‌های زندانیان سیاسی گوهردشت را با سرکوب پاسخ دادند.
- همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ادامه دارد.
- کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، رژیم خمینی را به خاطر نقض خشن و جنایتکارانه حقوق بشر محکوم کرد.

کمتر از یک هفته بعد از پایان پیروزمندانه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اوین، در شرایطی که هنوز آثار شکنجه و ضعف ناشی از اعتصاب برطرف نشده، زندانیان قهرمان بند ۴ اوین اعتصاب غذای تازه‌ای را آغاز کردند. دژخیمان رژیم برای مقابله با اعتصاب برفشار و شکنجه افزودند و جمعی از زندانیان قهرمان را به سلولهای انفرادی منتقل کردند. اعتصاب تازه و دور جدید شکنجه و آزار زندانیان، این نگرانی را به شدت تقویت کرده که خطر اعدام و شکنجه‌های انتقامی جان زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند.

در زندان گوهردشت نیز دژخیمان خمینی، ملاقات زندانیان سیاسی را قطع کردند. پس از

بقیه در صفحه ۵

در این شماره

★ اعلامیه سازمان "پیشگام" بمناسبت اول مهر ماه در صفحه ۸
★ تامین مسکن برای خانه‌بدوشان ..... در صفحه ۵
★ افزایش طلاق در جمهوری اسلامی ..... در صفحه ۳
★ ادامه معاملات پشت پرده ..... در صفحه ۸

جلوه‌های انحلال طلبی
در سازماندهی جنبش کارگری در صفحه ۴

درباره تبلیغات (۲)
در صفحه ۶

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

www.iran-archive.com

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان...

بقیه از صفحه اول

سازماندهی و اداره تولید نقش تعیین کننده بدست آوردند. زمینه های لازم برای تحقق همه جانبه عدالت اجتماعی بمفهوم واقعی آن فراهم شد. طبقه کارگر به عنوان طبقه پیشاهنگ متناسب با نقش اساسیش در تولید سهم واقعی خود را در هدایت جامعه بازیافت. طبقه کارگر بیشا بیش همه زحمتکشان برچم ساختمان سوسیالیسم را به دوش گرفت و همه زنجیرهای اسارت را از هم درید.

در روند ساختمان سوسیالیسم با مبارزه و قهرمانی خلق شوروی تحت رهبری حزب کمونیست، پیروزیهای بزرگی در زمینه آزمایان بردن ستم ملی، فقر و بیسوادی، بیکاری و بی‌عدالتی به دست آمد. اتحاد شوروی به یک قدرت عظیم صنعتی بدل شد. علوم و فنون پیشرفت چشمگیری پیدا کرد و سطح دانش و فرهنگ توده ها وسیعا گسترش یافت.

سوسیالیسم اساس برابری خلقها در کشور کثیرالمله شوروی را پایه گذاشت. شعار لنینی حق تعیین سرنوشت و شناسائی کامل حقوق ملی خلقهای کشور به اجرا درآمد. اجرا مبه فرهنگ ملیتها و فراهم کردن همه امکانات ضروری برای رشد اجتماعی و اقتصادی در پناه سوسیالیسم تحقق پیدا کرد و فرهنگ و زبان همه ملیتها دلسوزانه اعتلا یافت. زنان در پناه نظام سوسیالیستی از ستم رهائی یافتند و در همه شئون زندگی اجتماعی و از جمله در کار و تحصیل و امور خانواده از حقوق برابر با مردان برخوردار شدند. برای کودکان و نوجوانان کشور امکانات مساوی آموزش و پرورش ایجاد گردید.

انقلاب اکتبر روند بیداری ملتها و مردم تحت ستم و استعمار را سرعت بخشید، به مبارزه آنها در راه رهائی ملی و اجتماعی یاری رساند و تکیه گاه بزرگی برای استقلال و آزادی آنها شد. طی هفتاد سال اتحاد جماهیر شوروی و سیستم جهانی سوسیالیستی پشتیبان امر کارگران و رنجبران سراسر جهان و خلقهای محروم و تحت ستم و امیدگاه آنان در مبارزه علیه امپریالیسم، ستمگری سرمایه و ظلم و محرومیت بوده است.

مبارزه ملی و رهائی بخش مردم میهن ما نیز به نوبه خود از تاثیرات انقلاب اکتبر و کمک های اتحاد شوروی بهره فراوان گرفته است. با پیروزی اکتبر قراردادهای تحمیلی و استعماری امپراطوری روسیه تزاری بر کشور ما لغو گردید و امکان سلطه استعماری انگلیس بر میهن ما از میان رفت.

همه دستاوردهای عظیم خلق شوروی تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی به دست آمده است.

اتحاد شوروی متجاوز از ۳۰ سال پیوسته در محاصره امپریالیست ها و زیرفشار خرابکاریهای گوناگون آنان قرار داشت. ساختمان سوسیالیسم در شوروی در اوضاع و احوال نابسامان اقتصادی و خرابیهای وحشتناک ناشی از جنگ داخلی و تهاجم و یورش انگلیسیها هیتلری پیش رفت. خلق شوروی به رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی، در سرد علیه تجاوز فاشیسم با از خودگذشتگی کم نظیر و با تحمل ۲۰ میلیون قربانی و از دست دادن یک سوم همه ثروتهای طبیعی کشور خود، سرنوشت را از مصیبت فاشیسم رهانید.

سوسیالیسم از آغاز تا به امروز بیگیرانه در خدمت صلح و علیه جنگ بوده است. سوسیالیسم با تولد خویش در هنگامه جنگ جهانی اول پیام آور صلح بود. سیاست لنینی صلح چون خط سرخی از اکتبر کبیر تا به امروز امتداد و تکامل یافته است. این میراث گرانسنگ با ضرورت عینی رشد و تعالی و برای اهداف ترقیخواهانه و ایجادگرانه ای استوار است که سوسیالیسم برای تحقق آنها بنا گردیده. تلاش و مبارزه به خاطر رشد و ترقی اجتماعی و اقتصادی، بهبود شرایط زندگی و افزایش رفاه زحمتکشان و ارتقاء فرهنگ و شخصیت انسانی، نیازمند دوری و تبری جستن از جنگ و تخریب، و تلاش به خاطر استقرار صلح پایدار جهانی است. سازندگی و ایجادگری با جنگ و تخریب در تضاد است. سوسیالیسم دشمن جنگ و جنگ افروزان و نیروی واقعی صلح است. این است منطق سیاست لنینی صلح حزب کمونیست اتحاد شوروی که از اکتبر تاکنون امتداد یافته است و با ابتکارات صلحجویانه که هدف آن جلوگیری از وقوع جنگ هسته ای و نابودی بشریت از روی کره زمین است، هر روز برای جهانیان جاذبه بیشتری می یابد.

سوسیالیسم در هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

حزب کمونیست اتحاد شوروی که طی هفتاد سال در مسیری سا پیموده به راه گشائی تاریخ پرداخته و سوسیالیسم را در عمل بنا داده گردد است در هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر کبیر با جاعتی کم نظیر به ارزیابی و نقد سختگیرانه راه طی شده پرداخته است. حزب آنان که تا بسته کمونیست ها است به آنچه که اتحاد پذیرفته راضی نیست. نقدگذشته برای درس گیری و برنامه ریزی برای آینده و شناسائی و بکارگیری موثرترین شیوه ها و اشکال انجام وظایف انقلابی ضروریست. حزب کمونیست اتحاد شوروی همچنان در پیشا پیش خلق شوروی به نیازها و ضروریات امروزین سوسیالیسم در عرصه داخلی و جهانی پاسخ می گوید. اکنون در اتحاد شوروی دگرگوسازی و نوسازی در همه عرصه ها و زمینه های اجتماعی و اقتصادی، با هدف تسریع پیشرفت و تکامل جامعه سوسیالیستی در دستور کار قرار گرفته است.

منظور بهبود شرایط کار و ارتقاء سطح زندگی مردم شوروی. تامین هرچه بیشتر رفاه و افزایش درآمد سرانه آنها، بسط دموکراسی سوسیالیستی در همه عرصه های زندگی مردم، و برآورده ساختن هرچه بیشتر نیازهای آنها در زمینه بهداشت، آموزش و فرهنگ است. هدف مقدم استراتژی تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی، دستیابی به سوسیالیسم بیشتر، با استفاده کامل تر از دستاوردها و ظرفیت های سوسیالیسم است. دستاوردهائی که طی ۷۰ سال گذشته ساخته و پرداخته شده اند. بدین منظور حزب کمونیست اتحاد شوروی شناسائی و غلبه بر همه خطاها و اشتباهات، نارسائیها و ضعف ها، با خاطر بهره جوئی کاملتر از امکانات و ظرفیت های نظام سوسیالیستی را بیگیرانه ادامه می دهد.

هدف نوسازی در اتحاد شوروی، بکارگیری دستاوردهای علمی در تمام زمینه های اجتماعی و اقتصادی، دگرگونسازی زیربنای مادی و فنی کشور بر اساس بکارگیری هرچه گسترده تر دستاوردهای علمی - فنی، امروزی کردن و تکامل سیستم های مدیریت، بکارگیری اشکال نوین سازماندهی کار و تولید، تشویق نوآوری و ابتکار سوسیالیستی، تاکید بر رشد عمقی اقتصاد شوروی و تاکید بر اصل سانترالیسم دموکراتیک در هدایت اقتصاد ملی است.

نوسازی بر بستر اراده آگاه انسانها امکان پذیر است و دموکراسی هرچه بیشتر زمینه ساز این امر است. حزب کمونیست اتحاد شوروی با تاکید بر این که، سوسیالیسم و دموکراسی اجزاء تفکیک ناپذیر نظام سوسیالیستی است، گسترش هرچه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی را وظیفه تاخیرناپذیر حزب اعلام داشته است. دموکراسی حداکثر جوهر نوسازی در اتحاد شوروی اعلام شده است.

بر بستر پیشروی سوسیالیسم و بنیانهای مادی ایجاد شده، زمینه عینی برای تامین همه جانبه تمامی حقوق فردی و اجتماعی افراد، شرکت فعال آنها در اداره جامعه، فراهم ساختن زندگی معنوی سطح بالا و ارتقاء بازهم افزون تر شخصیت فردی و اجتماعی انسان های شوروی، فراهم گردیده است. استراتژی تسریع پیشرفت اجتماعی - اقتصادی برای اتخاذ تدابیر ضرور جهت تقویت هرچه بیشتر انضباط کار، دموکراتیزه کردن عمیق جامعه، افزایش هرچه بیشتر نقش توده ها، اتکاء بر خلاقیت و نوآوری و ابتکار عمل آنها، گسترش علنیت، انتقاد و انتقادپذیر خود در تمامی سطوح، و تعالی شخصیت انسانی، تاکید دارد.

رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی از همه کمونیست های شوروی خواسته است که با درک عمیق دگرگونیها و نوسازی حیات اجتماعی - اقتصادی کشور، فکر نو و خلاقیت، شهامت و استواری را جایگزین روتینهای یکنواخت، دگمها و جمود اندیشی کنند و آنان که تابسته کمونیست ها سست در راس خلاقیت توده ها قرار گیرند.

حزب کمونیست اتحاد شوروی تجاعانه علیه پدیده های بیگانه با مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم، نظیر دگماتیسم، ذهنگرائی، ساده کردن احکام مارکسیستی - لنینیستی، فرمالیسم، بیراههای بوروکراتیک، بکارگیری اشکال یکنواخت در کار و مطلق گرائی، به مبارزه برداخته است. رهبری حزب بر گسترش دموکراسی درون حزبی و انضباط آگاهانه و محکم در صفوف حزب در این مرحله حساس، برای انجام چنین وظایف سترگی تاکید دارد.

استراتژی تسریع پیشرفت اجتماعی - اقتصادی اتحاد شوروی، گامی بلند و انقلابی در جهت تکامل بازهم بیشتر سوسیالیسم در اتحاد شوروی و پاسخی ضروری به نیازهای رشد امروزین سوسیالیسم است.

بدون شک تحولات انقلابی کنونی در جامعه شوروی، سرچشمه پیشرفت و تکامل روندهای انقلابی در جهان، سرروند مبارزه همه نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر گیتی تاثیرات مهمی برجای خواهد گذارد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از خلاقیت و تجاعت کمونیست های شوروی و تجربیات ارزشمند آنان بسیار آموخته و می آموزد. سازمان استراتژی تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی شوروی را نیاز مبرم رشد سوسیالیسم در مرحله کنونی ارزیابی کرده و مصوبات تاریخی کنگره بیست و هشتم و مصوبات پلنوم ژانویه سال ۱۹۸۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را دست آوردهای بزرگ سوسیالیسم و جنبش کمونیستی جهانی می شناسد.

ما بر این اعتقادیم که تحولات انقلابی جاری در اتحاد شوروی تاثیرات کارسازی در تقویت هرچه بیشتر اردوگاه سوسیالیسم و جنبش کارگری و کمونیستی جهانی، به نفع صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم در جهان برجای خواهد گذاشت. سازمان ما شناخت همه جانبه روند انقلابی نوسازی در اتحاد شوروی و درک صحیح جهات مختلف آن را حائز اهمیت بسیار تلقی می کند.

ما می کوشیم هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را به فرصت شایسته ای برای معرفی هرچه بیشتر دستاوردهای سوسیالیسم در اتحاد شوروی و در جهان به کارگران و زحمتکشان میهنمان تبدیل کنیم. نقش اردوگاه سوسیالیستی و اتحاد شوروی در دفاع و پاسداری از صلح جهانی، در دفاع از منافع خلق ها در سراسر جهان، بویژه در پشتیبانی از جنبش های رهائیبخش ملی را برای مردم میهن خویش توضیح دهیم. برضرورت و اهمیت دوستی و برادری خلق های ایران و اتحاد شوروی تاکید نمائیم و با همه توان در برگزاری هرچه باشکوهتر جشن های هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر با همه کمونیست ها و نیروهای مترقی و صلحدوست سراسر جهان همگام و همصدا شویم.

گرامی باد هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر
مستحکم باد دوستی و برادری میان خلق های ایران و شوروی
مستحکم باد پیوندهای انترناسیونالیستی کمونیست های ایران و اتحاد شوروی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریورماه ۱۳۶۶

از مبارزه و مقاومت دهقانان

بازگشت بزرگ مالکان با احکام دادگاههای آخوندی کماکان ادامه دارد، دهقانان زحمتکش متحدا در مقابل این یورش ضدانقلابی می ایستند. آش به قدری شور است که روزنامه های حکومتی نیز علیرغم سانسور شدید گاه مجبور به انعکاس اخبار این مبارزات می شوند.

در زیر یک نمونه از مقاومت و مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان را که روزنامه کیهان به تاریخ شنبه ششم تیرماه سال جاری منتشر کرده است، به چاپ می رسانیم: این مشتی است نمونه خروار.

گلوگاه - خبرنگار کیهان:

بدنبال بازگرداندن زمین روستای ریحان آباد گلوگاه به خوانین و زندانی کردن سه کشاورز، یکی از فرزندان خان این روستا توسط اهالی منطقه گروگان گرفته شد.

اهالی این روستا اعلام کردند که با آزاد شدن سه کشاورز فرزند خان نیز آزاد می شود.

به گزارش خبرنگار ما در سال ۶۰ دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان میاغات و خوانین ریحان آباد را به نفع مردم این روستا مصادره کرد و در اختیار کشاورزان قرار داد و کشاورزان از این تاریخ بر روی زمینها مشغول کشت شدند. بعد از چندی یکی از فرزندان خان علیه کشاورزان به دادگاه حقوقی شهرستان شکایت کرد و در سال ۶۵ دادگاه به نفع خوانین از روستاییان خلع ید کرده و سه نفر از آنها را به سه ماه زندان محکوم نمود.

این گزارش می افزاید، بعد از اجرای حکم اهالی روستا با حمله به ماشین فرزندخان ریحان آباد، وی را گروگان گرفته و اعلام کردند در صورت آزادی سه کشاورز فرزند خان نیز آزاد می شود.

به گزارش رسیده جریان این درگیری از سوی ژاندارمری گلوگاه و دادگاه به شهر در حال رسیدگی است ●

www.iran-archive.com

گرامی باد هفتادمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

افزایش طلاق در جمهوری اسلامی

طلاق به‌عنوان یک پدیده اجتماعی درهمه جوامع بشری وجودداشته است. اما درجامعه سرمایه‌داری عامل اقتصادی به‌عنوان عامل اصلی وعوامل اجتماعی متعدددیگری به‌این پدیده حدت می‌دهند. بالارفتن میزان طلاق درجامعه ما بیانگرگوشه دیگری ازبدبختیهای مردم وفاجعه اجتماعی بزرگی است که درسایه حکومت سرمایه‌داران وفقها امکان وقوع یافته است. نسبت طلاق به ازدواج از ۷/۱ درصد درسال ۵۹ به ۹/۱ درصددرسال ۶۳ رسیده وهمچنان روبه‌رشداست. این رقم درمناطق شهری کل کشور به ۱۱/۷ می‌رسد.

مهدوی کرمانی رئیس دادگاههای مدنی خاص در گفتگوبا کیهان ۳۱ خرداد ۶۶ میگوید: "به‌طورمتعادل حدود ۵ از پرونده‌های متشکله دردادگاههای مدنی خاص مربوط به‌طلاق... می‌باشدکه بعضا فکرمی‌کنم تمامی پرونده‌های متشکله دراین دادگاهها اختصاص به‌طلاق وجدائی دارد." او "دخالت بیجای پدر ومادرها ونزدیکان زوجین" را عامل اصلی افزایش میزان طلاق دانست و "اعتیاد به‌موادمخدر، سوءرفتار" واختیار همسردوم بوسیله مردرا عوامل فرعی آن برشمرد.

علیرغم‌این ادعاهای ریاکارانه، عامل اقتصادی درراس علل طلاق قراردارد. فشاراقتصادی ناشی ازبیکاری وگرانی کمرشکن، خانواده را به‌کانون نزاعهای روزمره تبدیل کرده است. میزان طلاق به ویژه درمیان زوجهای جوان بالاست.

چندهمسری که درنتیجه تبلیغات مذهبی رژیم رواج یافته، عامل مهم‌دیگری درفروپاشی کانون خانواده‌هاست. مردان بسیاری تحت تاثیراین تبلیغات وسطح نازل فرهنگ خویش به‌انتخاب همسر دوم‌وسوم‌بویژه ازمیان بیوگان قربانیان جنگی دست می‌زنندوهرآینه همسران پیشین به‌ادامه‌زندگی تکبت بار اشتراکی تن ندهند، با حمایت قانون آنها را طلاق می‌دهند. سرنوشت کودکانی که‌دراین رهگذر وبه‌برکت قوانین مدنی که‌حق حضانت را به‌مردان می‌دهد، ازمحبت‌های مادری محروم می‌شوند، دردناک است.

تبلیغات وفعالیت آشکار رژیم برای رواج صیغه وگسترش مراکزفحشای شرعی که‌به‌نام مبتکر ومبلغ اصلی آن - رفسنجانی - به "اکبرآباد" مشهورشده‌اند، پای مردان متاهل را نیزبه‌این مراکزباز کرده. دولت علاوه‌بردفاترثبت ازدواج وطلاق، درمراکزرسمی‌ویژه‌ای که‌به‌ویژه درشهرهای محل اسکان آوارگان جنگی بوجودآورده‌است در "بنیاد شهدای جنگ" وتشکیلات ویژه جنب حرمین درقم ومشهدبه‌دلالگی برای فحشای اسلامی می‌پردازد.

مردم‌میهن ما می‌دانندکه مسئول همه این بدبختی‌ها، رژیم‌جمهوری اسلامی است. رژیم‌فقها مروج چندهمسری است، درمراکزصیغه تجارت جنسی می‌کندوبه‌حق برابرزنان برای طلاق اعتقاددارد. بایدبرای دفاع ازکانون مقدس خانواده، به‌خاطر دفاع اززندگی کودکانی که‌درنتیجه طلاق والدین از زندگی درخانواده ومحبت مادری محروم می‌شوند، برای لغوچندهمسری، صیغه، حق طلاق برای زنان وبرانداختن رژیمی که‌مسبب تشدیداین فلاکت است مبارزه‌مان راگسترش دهیم●

اعلامیه کمیته مرکزی ... بقیه ازصفحه اول

کند. اما رژیم‌برای ادامه‌جنگ به‌امریکا وسایر قدرتهای امپریالیستی بنیازمنداست.

امپریالیسم امریکا نیزضمن حفظ وتحکیم مواضع خوددرخلیج ومنطقه می‌کوشدازرژیم‌خمینی امتیازات بیشتری بگیرد. اوضاع متشنج منطقه وخطرات ناشی ازگسترش جنگ ایران وعراق، نیروهای صلح دوست ومترقی درسطح جهان رانگران کرده‌است. خطرگسترش جنگ سبب شدکه‌مدتی پیش شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌شماره ۵۹۸ رابه‌اتفاق آراء به‌تصویب برساندورژیم‌های ایران وعراق رابه‌قطع جنگ ومذاکره‌درراه‌صلح فراخواند. قطعنامه‌شورای امنیت مبنای مساعدی برای خاتمه دادن به‌جنگ هفت ساله‌ایران وعراق فراهم‌کرده است. طی ماه‌های اخیراتحادشوروی وسایرکشورهای سوسیالیستی برپایه‌سیاست صلح جویانه‌خودبه ابتکارات واقدامات تازه‌تری برای حل مسئله جنگ ازراه‌های سیاسی دست زده‌اند.

کمیته‌مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لشگرکشی نظامی به‌منطقه وهرگونه راه‌حل نظامی برای جنگ راشدیدا محکوم می‌کند.

ما پشتیبان تلاشها وابتکارات سیاسی وصلح آمیز برای حل مسئله‌جنگ هستیم.

بحران همه‌جانبه اقتصادی واجتماعی کشور واعتراض ومبارزه‌مردم‌ایران وکشورها ونیروهای صلح دوست جهان علیه‌جنگ، باعث شده‌که‌جمهوری اسلامی دیدارومذاکره‌با دبیرکل سازمان ملل متحد پیرامون قطعنامه‌شورای امنیت رابپذیرد. سفر دبیرکل سازمان ملل متحدبه‌ایران وعراق فرصت مناسبی برای راه‌یابی خاتمه‌جنگ فراهم‌می‌نماید. مردم‌ستمدیده‌کشورما ازجنگ به‌ستوه‌آمده‌اند و نمی‌خواهنداین فرصت مهم‌برای قطع جنگ راازدست بدهند. ازدست رفتن این فرصت‌ها به‌معنی آن خواهدبودکه‌جنگ همچنان ویرانگرتراز گذشته تشدیدشود. بایدبه‌هروسیله‌ای که‌می‌توانیم اعتراض ومبارزه‌علیه‌سیاست رژیم‌درادامه‌جنگ رادرسطح شهرها گسترش دهیم‌وشعارقطع بی‌درنگ جنگ را طنین افکن کنیم.

کمیته‌مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درآستانه‌هشتمین سال شروع فاجعه‌جنگ ازهمه‌دولت‌ها، مجامع بین‌المللی ونیروهای صلح دوست وترقی خواه‌جهان می‌خواهدکه‌ازخواست عادلانه‌مردم‌میهن ما مبنی برقطع جنگ واستقرار صلح وخروج همه‌نیروهای خارجی ازخلیج فارس حمایت کنند.

سازمان ما سفردبیرکل سازمان ملل متحدبه ایران وعراق راروید‌ادی مثبت ارزیابی کرده‌و مساعی وی رابرای اجرای قطعنامه‌شورای امنیت، قطع جنگ واستقرارصلح موردتائیدقرارمی‌دهد.

کمیته‌مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه‌نیروهای مترقی وصلح دوست میهن رابه‌اتحادوهمکاری برای بسیج همه‌خلق علیه جنگ ورژیم‌جنگ طلب خمینی فرامی‌خوانند. با مبارزه متحدانه، هشتمین سال جنگ رابه‌سال صلح مبدل سازیم.

نابودبادجنگ زنده‌بادصلح
مرگ برامپریالیسم امریکا
پیروزبادمبارزه‌خلق درراه‌سرنگونی‌رژیم‌جمهوری‌اسلامی
کمیته‌مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهریورماه ۱۳۶۶

خلق بلوچ علیه... بقیه ازصفحه اول

می‌گیرد. برتعدادبیکاران ودرنتیجه برتعدادکسانی که‌برای پیداکردن لقمه‌نانی برای خانواده‌گرسنه خودراهی شیخ نشین های خلیج فارس می‌شوند، اضافه می‌گردد. خلق بلوچ به‌شدت ازجوروستم‌ملی رنج می‌برد.

فقهای حاکم برای تحمیق توده‌ها، بارها درمسجدومنبربه‌حال زحمتکشان بلوچ که "برای سیر کردن شکم‌خودبه‌چرا می‌روند" اشک تمساح ریخته‌اند وامروزنیزهرآنجاکه‌لازم‌ببینندازدلسوزی برای بلوچها دم‌می‌زنند. اما درعمل، آنها سیاست‌های رژیم شاه‌را با درنده‌خوئی بیشتردنبال کرده‌ومی‌کنند وآنچه‌سیمای بلوچستان امروزرا ترسیم‌می‌کند همچنان فقروروزافزون، عقب‌ماندگی وستم‌ملی است. رژیم‌فقها، درپناه‌نظریه‌ارتجاعی "امت واحده اسلامی" باانکارهویت ملی خلق بلوچ و محروم‌کردن این خلق ازخواندن ونوشتن به‌زبان مادری وزندگی براساس فرهنگ وسنت‌های ملی خود، مردم‌بلوچستان رابه‌خاطرباورهای مذهبی آنها نیز که‌با مذهب‌حاکم متفاوت‌است‌موردتحقیروتبعیض‌قرارمی‌دهد خلق بلوچ نه‌تنها توسط پاسگاهها، کمیته‌ها ومحاکم شرع غیربومی متعلق به‌رژیم‌جانیتکارمیشدت‌مرکوب می‌شود، بلکه‌درادارات، مدارس وبطورکلی‌درهرکجا که‌درتیول حکام‌ستمگررژیم‌آخوندی است، با مقاماتی روبروهستندکه‌زبان‌شان رانیزنمی‌فهمند.

اینها مظاهری ازستم‌ملی دربلوچستان است. اما برجسته‌ترین نمودستم‌ملی را بایددرعقب‌نگاه‌داشتن اقتصادی‌منطقه‌جستجوکرد. بلوچستان ازنظر کشاورزی، منابع معدنی، دامداری وپرورش طیور ومنابع دریائی ازامکانات قابل ملاحظه‌ای برخوردارست واگراین منابع برمبنای یک سیاست مردمی وبرنامه‌ریزی علمی‌موردبهره‌برداری قرار گیرد، نه‌تنها توده‌های بلوچ ازفقروفلاکت رها می‌شوند، بلکه‌بلوچستان به‌یکی ازمراکزصادرات کشوربدل خواهدشد. اما مجموعه‌این منابع اساسا موردتوجه‌وبهره‌برداری قرارنمی‌گیردویادرخدمت سیاست‌های ارتجاعی رژیم‌ودرمعرض غارتگری های غارتگران قراردارند. درنتیجه، هرساله‌هزاران تن ازمردم‌بلوچستان که‌ازبیکاری وفقربه‌جان آمده‌اند به‌امیدلقمه‌نانی راهی شیخ نشین ها، شهرهای بزرگ ومناطق صنعتی کشورمی‌شوندتانیروی کار خودرابه‌قیمت نازل دراختیارشیوخ عرب‌وسرمایه‌داران بزرگ کشورقراردهند.

رژیم‌هرساله‌رقمی ازبودجه‌کل کشوررا به‌عنوان بودجه‌عمرانی به‌بلوچستان اختصاص می‌دهد. اما درعمل بخش اعظم‌این بودجه‌به‌جیب آخوندها ومقامات ریزودرشت محلی سرازیرمی‌شودوبخشی نیزدرپاسخ به‌جنون عظمت‌طلبی فقهای حاکم، صرف‌اتمام تاسیسات نظامی باقی مانده‌ازدوره‌ستمشاهی وایجاد پاسگاه‌ها، پادگانها، راههای نظامی وامورای ازاین دست می‌گردد. نصیب انسان زحمتکش بلوچ ازاین جنون نظامی گری تنها سرنیزه‌پاسداروزاندارم‌است که‌هرروزبه‌بهانه‌ای به‌سراغش می‌آید: روزی به بهانه‌سربازگیری ورسودن جوانان برای تنورجنگ، روزی برای اجرای حکم‌حاکم‌شرع وبیرون راندن دهقان اززمینی که‌هستی‌اش رابرآن نهاده‌و روزی دیگربه‌بهانه‌مبارزه‌با قاچاق روغن نباتی و بیسکویت‌وکبریت و...

اکنون دربلوچستان گرانی سرسام‌آوروبیکاری گسترده، نایابی ارزاق، دزدی وارتشاء دردستگاه اداری، اعتیادبه‌موادمخدر، فساد وفحشاء پدیده‌های رایجی است که‌زندگی مردم‌را تباه‌ساخته‌است.

خلق بلوچ که‌درمعرض انواع ستمگری قرار دارد، رژیم‌جمهوری اسلامی را مسبب اصلی این‌وضع فلاکت بارمی‌داندوهمپای همه‌زحمتکشان ایران برای سرنگون ساختن آن مبارزه‌می‌کند. این خلق محنت کشیده‌طی سالها مبارزه‌علیه‌ستم‌ملی وطبقاتی وبه ویژه‌درطول سالهای سیاه‌حکومت خمینی، بیش ازپیش به‌این حقیقت پی برده‌است که‌سرنوشتش باسرنوشت طبقه‌کارگرایران گره‌خورده‌ومبارزه‌اش تنهازمانی ازچشم‌اندازروشنی برخورداراست که درپیوندبامبارزات‌سراسری طبقه‌کارگروزحمتکشان برای صلح، آزادی وعدالت اجتماعی قرارگیرد.

خلق ستمدیده‌ومبارزبلوچ باتحکیم‌پیوند خودبا پیشروان انقلابی‌اش وگسترش مبارزه‌علیه رژیم‌مرتجع وسرکوبگرخمینی، دوشادوش دیگر زحمتکشان ایران، راه‌تحقق شعارخودمختاری بلوچستان درایران انقلابی ودموکراتیک راخواهد گشود.

سازمان ما که‌درراه‌تامین حاکمیت مردم‌ایران ونابودی هرگونه‌تبعیض واستثمار، ازجمله‌ستم ملی برخلقهای تحت‌ستم‌میهنمان می‌رزمد، درراه سازماندهی واعتلاء جنبش‌خلق بلوچ برای کسب خودمختاری، فعالانه‌مبارزه‌می‌کندوبا همه‌امکانات خوددرجهت تحکیم‌پیوندآن با مبارزه‌سراسری طبقه کارگروزحمتکشان کشورمی‌کوشد.

سازمان ازهمه‌نیروهای فعال خوددر بلوچستان می‌خواهدتا بابهره‌گیری ازابتکارات واشکال متنوع سازماندهی، درراه‌ارتقاء آگاهی وتشکل همه‌نیروهای دموکراتیک بلوچ درمبارزه علیه‌رژیم‌ونیزهمه‌جریانات مرتجع وخودفروخته‌ای‌که سنگ دفاع ازخلق بلوچ رابرسینه‌می‌زنند، مجدانه بکوشند. سازمان، همه‌فعالان خودرا فرامی‌خواندتا دربسیج وتشکل توده‌های بلوچ درنبردعلیه‌رژیم مرتجع خمینی ازهیچ تلاشی بازنایستندودر تامین اتحاددرصفوف‌جنبش ملی خلق بلوچ و اتحادا این جنبش با پیکارسراسری طبقه‌کارگروزحمتکشان فعالانه‌گام‌بردارند. بهروزی خلق بلوچ درفردای پیروزی، درگرومبارزه‌فعال، هشیارانه و متحدامروزاست●

اعلامیه مشترک احزاب ... بقیه ازصفحه اول

خلیج فارس ازجمله‌پیشنهادات‌دولت شوروی رادرباره خروج نیروهای نظامی ازاین منطقه‌وپایان دادن به جنگ وحل مسئله‌موردا‌ختلاف میان ایران وعراق ازراه‌مسالمت‌آمیزومذاکره‌نادیده‌گرفته‌است".

اعلامیه‌ضمن افشاء اهداف امریکا مبنی بر تحت سلطه درآوردن کشورهای منطقه‌واعمال فشار برژیم‌های مترقی عربی وتثبیت اشغال سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل، ازاین کشورها ونیروهای میهن پرست دعوت کرده‌است که‌هشیاری ازخود نشان دهند، تضادهای درجه‌دوم‌راکنارگذارند، وحدت خودرا تحکیم‌بخشندودرراه‌همبستگی ومقابله با افشارامریکا واسرائیل تلاش ورزند. دراعلامیه اهمیت ویژه‌پیوندهای دوستی وهمکاری این کشورها با اتحادشوروی وسایرکشورهای سوسیالیستی موردتاکیدقرارگرفته‌است.

احزاب کمونیست وکارگری کشورهای عربی خاورمیانه‌دراین اعلامیه‌خواستارپایان جنگ ایران وعراق شدندتا ملتهای هردوکشورازمصائب جدیدنجات یابندوهمچنین خواهان خروج نیاوگانهای خارجی ازخلیج فارس گردیدندتا بدین طریق آزادی کشتیرانی بین‌المللی مطابق میل وارده ملتهای منطقه‌ونیروهای صلح دوست وترقیخواه‌جهان تامین گردد●

رفقا وهمرزمان!

ازهمه‌امکانات برای گسترش تماس با روستاها، افشای رژیم‌وکارانقلابی بادهقانان سودجوئید.

ازطریق معلمین روستائی، محصلین و روستازادگان جوان که‌برای کاروتحصیل به‌شهرها می‌آیند، کارمندانی که‌به‌اقتضای شغل خودبه‌روستاها رفت وآمدمی‌کنند، ریش‌سفیدان وافرادمترقی و موردا‌عتماد روستائیان که‌دردهات سکونت دارند، روستائیانی که‌به‌جبهه‌ها اعزام‌شده‌اند، حاشیه نشینان شهری که‌اغلب مهاجرین روستاها هستند، کارگران فصلی وکارگرانی که‌با روستاها ارتباط دارند، وسایرطرق به‌سازمانگری مبارزه‌دهقانان وآگاه‌سازی آنان بپردازید. سیاست‌های جنگ افروزانه، ضدکارگری وضددهقانی رژیم‌را افشا و رسوا سازید.

مبارزه‌علیه‌بزرگ مالکان راسازمان دهید، بر ضرورت مبارزه‌متحددهقانان وایجاداتحادیه‌های دهقانی تاکیدکنیدوشوراهای حکومتی راافشاء نمائید.

اخبارمبارزه‌ومطالبات دهقانان رابرای سازمان گزارش کنید.

www.iran-archive.com

جلوه‌های انحلال‌طلبی در سازماندهی جنبش کارگری

سازماندهی جنبش توده‌ای کارگری در شرایط خفقان با رحاکم بر ایران و با سخگویی اصولی به‌چگونگی تلفیق کار مخفی و علنی در این شرایط، مساله‌ای است که بیش از دیگر مباحث جنبش سندیکایی موضوع اختلاف نظر میان سازمانهای سیاسی چپ است. تنوع اشکال انحراف از موازین مارکسیست ـ لنینیستی سازماندهی و رهبری جنبش سندیکایی نیز با لطبع، در این عرصه بیش از دیگر عرصه‌ها است. ما در شماره ۴۱ "کار" در توضیح چگونگی کار سازمانگرانه توده‌ای میان کارگران، به انحرافات سکتاریستی و انحلال طلبانه در درون جنبش سندیکایی امروز ایران اشاره کردیم. و بعنوان نمونه توضیح دادیم که چرا کم‌بها دادن به ایجاد تشکل صنفی مستقل و بطور مشخص به هسته‌های مخفی کارگری و پر بها دادن به تشکلهای علنی زردگرایشی است انحلال طلبانه. اما انحلال طلبی تنها به این نمونه محدود نمی شود. با توجه به تاثیر مخرب انحلال طلبی در سازماندهی جنبش سندیکایی، ضروری است به بررسی وجوه مختلف تظاهر آن بپردازیم.

یکی از نمونه‌ها و اشکال بارز انحلال طلبی در تاریخ جنبش کارگری ـ سندیکایی، گرایش به تحلیل بردن اتحادیه در ارگانیسم دولت کارگری و نفی عملی حق موجودیت و استقلال اتحادیه‌ها است. پرچمدار این گرایش ـ که پس از پیروزی انقلاب اکتبر پدید آمد ـ تروتسکی بود که با شعار "اتحادیه، دستگاه اداری ـ فنی مدیریت تولید است"، تلاش می کرد اتحادیه را به زایده دولت بدل کند. حال آنکه لنین، همین اتحادیه را مکتب اداره تولید، مکتب پیشرد اقتصاد و مکتب کمونیسم می شمرد. دیدگاه تروتسکی مشخصه برجسته اتحادیه‌ها، یعنی مکتب کمونیسم بودن آنرا نفی می کرد و نیز نمونه بارز برخوردی قیم‌مابانه و بوروکراتیک با اتحادیه‌ها بود. این دیدگاه با مطلق کردن نقش حزب و دولت، اتحادیه را به یک زایده بدل می کرد. روی دیگر این سکه، انحراف آنارکوسندیکالیستی بود که با پر بها دادن و مطلق کردن نقش اتحادیه، نقش هدایت گرانه، تربیتی و سازمانگرانه حزب را در قبال اتحادیه‌ها نفی می کرد. لنین اعتقاد داشت که "بدون رهبری ایدئولوژیک ـ سیاسی اتحادیه‌ها از جانب حزب کمونیست، اتحادیه‌ها در سطح دفاع از منافع اقتصادی طبقه کارگر باقی خواهند ماند" (چه باید کرد؟). علاوه بر این، لنین تاکید کرد که شرط اساسی موفقیت اتحادیه‌های کارگری در تحکیم ارتباط شان با توده‌های وسیع زحمتکشان است. دیدا انحلال طلبانه و بوروکراتیک تروتسکی بطور کلی از عدم درک مضمون اتحادیه‌های کارگری در دیکتاتوری پرولتاریا و نیز چگونگی رابطه میان حزب و اتحادیه ناشی می شد.

انحلال‌طلبی در سازماندهی جنبش سندیکایی که قبلا نیز به آن اشاره کردیم، می تواند در چگونگی تلفیق کار مخفی و علنی برای ایجاد تشکل صنفی مستقل و توده‌ای بروز کند. در شرایط پلیسی حاکم بر جامعه ایران، در شرایط سرکوب سازمانهای سیاسی و تشکل های توده‌ای کارگران، اکتفا کردن به فعالیت در تشکل های توده‌ای علنی و قانونی و عدم سازماندهی هسته‌های مخفی کارگری گرایشی است انحلال طلبانه، زیرا موجب تمکین به تشکلهای زرد و اختلال در شکل گیری تشکلهای صنفی مستقل می شود. همچنانکه گفتیم این گرایش جنبه دیگری از مطلق نگری در تلفیق میان کار مخفی و علنی در سازماندهی جنبش توده‌ای و کارگری در شرایط پلیسی است.

در میان سازمانهای چپ ایران هیچ سازمانی نیست که مواضعاش به لحاظ نوع برخورد با هسته مخفی و با تشکلهای زرد موجود، تماما آلوده به این انحراف باشد. اما این گرایش راست روانه در اشکال ظاهرا اصلاح، بطور جدی گریبانگیر برخی از سازمانهای مدعی رهبری طبقه کارگر است. انحراف آنها عمدتا در عدم درک ضرورت هسته‌های مخفی کارگری بروز می کند، نه در تمکین به تشکلهای قانونی موجود. هیچیک از سازمانهای چپ ایران، سیاستش تمکین به تشکلهای زرد موجود و صرفا امید بستن به تصحیح آن نیست اما وقتی که سخن از چگونگی ایجاد تشکل صنفی مستقل و توده‌ای به میان می آید این انحراف آشکار می شود. برخی سازمانهای "چپ" مدعی اند که محفل کارگری شکلی از تشکل صنفی کارگران است و برای توجیه این حکم اضافه می کنند البته در شرایط سرکوب پلیسی و در غیاب اتحادیه‌های کارگری! حقیقت این است که محفل کارگری هیچگاه و در هیچ شرایط نمی تواند جای اتحادیه کارگری را بگیرد. در شرایط سرکوب پلیسی و نبود اتحادیه‌های صنفی مستقل، تنها و تنها هسته‌های مخفی کارگری هستند که با مختصاتی که لنین در "چه باید کرد؟" برشمرده، باید بمثابه اتحادیه‌های کارگری وظایف خود را انجام دهند. هر حکمی غیر از این جزئتوری بافی و جعل موازین لنینی سازماندهی جنبش سندیکایی معنایی ندارد. نشاندن محفل به‌جای تشکل به‌بهانه وجود شرایط پلیسی به معنای تسلیم شدن در برابر فشار و تمکین به خلع سلاح کارگران توسط رژیم است. تشکل، یگانه سلاح کارگران و زحمتکشان است. رژیم با توسل به سرکوب و اختناق پلیسی سعی می کند کارگران را از این حربه کارآمد محروم کند. این وظیفه پیشروان طبقه کارگر است که در شرایط سرکوب و خفقان، شکل سازمانی مناسب را برای تداوم مبارزه متحدانه کارگران، پیدا کنند و تسلیم سیر خودبخودی رویدادها نشوند.

محفل، تجمعی خودبخودی است که بر روابط و مناسبات طبیعی میان افراد متکی بوده و بدون دخالت پیشروان کارگری نیز چه در شرایط با زوجه در دوران اختناق بخودی خود تشکل می گیرد. تمکین عنصر پیشرو به ارتباطات روزمره محفلی و محدود کردن دایره وظایف سازمانگرانه خود به حداقل ارتباطات مجازه‌ها نه وجود اختناق و دشواری ایجاد تشکل کارگری، چیزی جز سرفرود آوردن در مقابل جریان خودبخودی و نفی رسالت پیشرو نیست.

تشکل سندیکایی شرایط اختناق، همچنانکه بارها گفتیم، هسته مخفی کارگری است. هسته بمثابه اتحادیه ویژه شرایط اختناق، دارای چارچوب مشخص برنامه عمل سندیکایی معین و انضباط درونی است. اما محفل علیرغم همه محسناتی که از نظر امکان توجیه فعالیت‌اش در شرایط پلیسی دارد، با خرده‌کاری، پراکنده‌کاری بی سازمانی، دید محدود، فقدان ادامه‌کاری، فقدان انضباط و برنامه عمل مشخص می‌شود. البته هسته‌ها عمدتا از درون محافل سر بر می آورند و در هر صورت به محافل متحد و کارگری متکی می شوند تا بتوانند توده کارگران و مبارزه توده‌ای را سازمان دهند. بی توجهی به محافل کارگری و عدم استفاده از امکانات آنها از جانب پیشروان کارگری و هسته‌های مخفی، مانع گسترش کار توده‌ای و سازمانگرانه آنها خواهد شد. هسته‌ها بدون برخورداری از امکانات محافل بهیچوجه نخواهند توانست وظایف سندیکایی خود را انجام دهند.

چه بسا محافل کارگری باشند که عملا بخشی از وظایف سندیکایی را در شرایط اختناق انجام دهند و حتی این یا آن اعتصاب را برپا کنند و به پیروزی رسانند، اما تاثیرگذاری بر این یا آن حرکت و یا حتی رهبری آن در این یا آن مقطع کافی نیست بلکه باید رهبر و سازمانده مبارزات توده‌ای و سندیکایی کارگران باشند. اما مه‌کاری را در سازماندهی هر حرکت محاسبه و تامین کنند، فعل و انفعالات مختلف توده‌ای را در راستای برنامه عملی روشن سمت دهند و با تقسیم کار درونی، تعیین چگونگی استفاده از امکانات علنی و رعایت انضباط، نقشه کار را به اجرا گذارند. چنانچه محفل، مختصات هسته را در سازماندهی مبارزات توده‌ای کارگری پیدا کند، در آن صورت دیگر محفل نخواهد بود. در غیر این صورت خطای بزرگی خواهد بود اگر مرز بین محفل و هسته و در واقع تجمع محفلی و تشکل اتحادیه‌ای را درهم بریزیم. تنزل دادن هسته تا حد محفل، جز ترویج خرده‌کاری و پراکنده‌کاری، جز گسترش بی انضباطی و انفرادمنشی، جز تداوم پراکندگی و بی سازمانی و در یک کلام جز انحلال طلبی مفهومی ندارد. این بینش هرچند که با شعار متشکل کردن کارگران به میدان آمده باشد، در عمل "خدمتی" جز توجیه دنباله روی از جریان خودبخودی و دامن زدن به پراکندگی نخواهد کرد.

جلوه دیگری از انحلال طلبی طی یکی دو سال اخیر، زیر شعار تشکیل مجمع عمومی بمثابه تشکل صنفی کارگران در شرایط سرکوب، توسط یکی از سازمانهای "چپ" پدیدار شد. طراحان این شعار مدعی بودند که مجمع عمومی بمثابه تریبون مستقیم و بلاواسطه اعمال اراده توده‌کارگران در شرایط نبود تشکل صنفی مستقل می تواند و باید نقش آنرا بعنوان یگانه تشکل واقعی صنفی بازی کند. غافل از اینکه مجمع عمومی مجرد و مستقل از یک تشکل صنفی و توده‌ای موضوعیت ندارد و در غیر این صورت شعار مجمع عمومی چیزی جز یک تجمع عددی افرادی که فاقد ابزار و اهرم کار است نبوده و دمکراتیسم آن نیز بیش از دمکراتیسم بدوی منشا اثر نخواهد بود. این شعار آنارشیستی و انحلال طلبانه معداق بارزی است از "سنگ بزرگ علامت نزدن است". لاجرم نتیجه‌ای جز معلق نگه داشتن مساله سازماندهی، مشخص کارگران در شرایط پلیسی، ببار نمی آورد. شعار مجمع عمومی بمثابه یک تشکل صنفی، نه بنا به برخلاف ادعای طراحانش، جز درهم ریختن مرز میان، پیشرو و توده، دنباله‌روی "پیشرو" از توده، دست شستن "پیشرو" از انجام وظایف رهبری، تلاش اراده‌گرایانه و بی ثمر "پیشرو" برای برگزاری مجمع عمومی "منظم" و سرخوردگی اش از کار سازمانگرانه توده‌ای حاصل دیگری نداشت.

بطور کلی می توان گفت درک نادرست از چگونگی رابطه میان حزب و اتحادیه که ریشه در درک اکونومیستی و نیز آنارشیستی برخی جریانهای چپ از رابطه پیشرو و توده دارد، خود در قالب شعارهای انحلال طلبانه، اراده‌گرایانه و سکتاریستی ظاهر می کند.

برخورد انحلال طلبانه در رابطه با چگونگی سازماندهی تشکلهای صنفی دوران اختناق که به اشکال مختلف تظاهر کرده و می کنند تنها در پرتو درک درست از مقوله فوق و نیز درک مشخص از چگونگی رابطه حوزه حزبی، هسته مخفی و محافل کارگری و نحوه تلفیق کار مخفی و علنی سندیکایی در شرایط پلیسی، تصحیح می‌شود. ما در فرصت های دیگر این بحث را دنبال خواهیم کرد●

دروغهای نخست‌وزیر ... بقیه از صفحه اول

روی سنگ بند نیست. شیراز را قتلگاه دکشور از هم گسسته است. کارخانجات بزرگ صنعتی یکی پس از دیگری با تعطیل می‌شوند و یا در خدمت سیاستهای تجاوزگرانه و جنگ طلبانه رژیم قرار می‌گیرند.

بیکاری در جامعه خواب را بر زحمتکشان حرام کرده است. هر روز بر خیل عظیم بیکاران افزوده می‌شود. بنا به اعتراف غلامحسین نادی نماینده مجلس آخوندی و عضو کمیسیون برنامه و بودجه خمینی، از ۱۳/۵ میلیون نفر جمعیت فعال ایران، ۳/۸ میلیون نفر آن بیکارند. به دلیل بیکاری وحشتناک و عمومی، بسیاری از زحمتکشان میهن ما از سر ناچاری، به فروختن کوپن های سهمیه‌ای خود روی آورده‌اند و جمع کردن کاغذ، پلاستیک و کارتن از میان زباله‌ها، خرابه‌ها و نهرهای آب، به شغل بسیاری از زحمتکشان تبدیل شده است.

از جمله افتخارات دیگر دولت "خدمتگزار" گسترش کم‌سابقه گدائی، فحشا و اعتیاد در کشور بلادیده ماست. اعتیاد به مواد مخدر آنچنان بی‌سابقه و دردناک گسترش یافته است که در یک نگاه می‌توان درهرکوی و برزن آثار آن را دید و لمس کرد.

ستیز با علم و دانش و هنر، ستیز با هر اندیشه‌ای که نشان از ترقی داشته باشد، از دیگر شاهکارهای حکومت فرهنگ ستیز جمهوری اسلامی است. استبداد مذهبی آنچنان همه‌گیر است که حتی مردم میهن ما در خانه شخصی‌شان از گزند گزمه‌های خمینی در امان نیستند.

وضع اسفناک مردم و مملکت مانع از آن شد تا خمینی در دیدار با هیئت وزیران و خامنه‌ای بر "فتوحات" و اقدامات چنین و چنان دولت اشاره کند. او در این دیدار عاجزانه و وقیحانه، مردم گرسنه و محروم میهن ما را به زندگی درویشانه دعوت کرد و چنین گفت: "هرچه تجمل زندگی زیاد شود، قدرت روحی کمتر می‌شود... ما از این جهت شکرگزار هستیم که خدا ما را در لباس درویش ها درآورده است."

آش به قدری شور است که این بار خلیفه جماران حاضر نشد مثل سالهای قبل از خدمات دولت خود نسبت به "مستضعفان" دادسخن دهد، او وقیحانه با زهم از مردم خواست که صبر کنند و برای غلبه بر هزار و یک مشکل که رژیم جمهوری اسلامی عامل آن است، ریاضت کشی پیشه سازند.

اما موسوی نخست وزیر منتصب "امام"، اشاره ولی نعمت خود را نفهمید و با زسازده لوحانه به شیوه گذشته عوام‌فریبی کرد و مدعی شد که از "افتخارات" دولتش "فقرزدائی" و جلوگیری از حاکمیت "زراندوزان" در جامعه است. او در حالی این دروغ شاخدار را تحویل خلایق می‌داد که فراموش کرده بود یک سال پیش خودش اعتراف کرده است که: "مردم ما در طول ۷ سال (۶۳-۱۳۵۶)، ۴۳ درصد فقیرتر شده‌اند" و "نقدینگی بخش خصوصی در سال ۶۳ نسبت به سال ۴۵۶ ۴ برابر شده و... بیشتر از بودجه دولت شده است". بدشانسی دیگر نخست وزیر متصل رژیم این بود که موسوی اردبیلی همپالگی دیگرش چندی پیش اعتراف کرده بود که: "این مملکت شبیه مخروطی است که قاعده‌اش به نان و پنیر محتاج است و در راس آن اغنیا قرار دارند که اگر گوشت کیلوئی یک میلیون تومان باشد، تهیه می‌کنند و می‌خورند". (اطلاعات ۱۶ تیر ماه ۶۶). اردبیلی با بلاهت مختص خود جای هیچ گونه شک و تردیدی باقی نگذاشت که از افتخارات حکومت فقها، به نان و پنیر محتاج شدن زحمتکشان، و زراندوزی هرچه بیشتر سرمایه‌داران و بویژه تجار "محترم" است.

در رابطه‌ای که طبق اعتراف سران رژیم "قاعده مملکت" (یعنی زحمتکشان) به نان و پنیر محتاجند و راس مملکت (سرمایه‌داران) قادرند گوشت کیلوئی یک میلیون تومانی بخورند، ادعاهائی از قبیل "فقرزدائی" و "حاکمیت اقتصادی زحمتکشان" با تمسخر و تعجب و خشم و نفرت مردم روبرو می‌شود.

از این رو دروغهای شاخدار موسوی نخست وزیر رژیم و عوام‌فریبی‌های خمینی دیگر رنگ باخته است. مردم میهن ما بعد از گذشت ۸ سال و مشاهده این همه نابسامانی و فجایع به ماهیت بشدت ارتجاعی و ضد مردمی این رژیم حامی تاجران و دشمن زحمتکشان بیش از پیش پی برده‌اند. مردم می‌دانند که عامل ادامه جنگ و فقر و سیه روزی آنها، رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی است. برای رهائی از وضع دشوار موجود باید متحدا برای سرنگونی رژیم آزادی کش و ارتجاعی جمهوری اسلامی مبارزه کنیم●

تامین مسکن برای خانه‌بدوشان

مجمع عمومی سازمان ملل متحدسال ۱۹۸۷ را "سال بین المللی تامین مسکن برای بی مسکنان" اعلام کرد. تصمیم سازمان ملل متحدمنطبق بر نیازهای جامعه بشری ومبتنی براصول مصرحه "اعلامیه جهانی حقوق بشر" وکنفرانس بین المللی درموردحقوق اقتصادی ،اجتماعی وفرهنگی "می‌باشد. دراین اسناد آمده است:

" حق زندگی درترازی شایسته ،ازآنجمله برخورداری ازمسکن مناسب حق تمام انسانها است ودولت ها بایستی اقدامات ضروری رابرای تحقق بخشیدن به این حق انجام دهند."

علل بی مسکنی : بی مسکنی دردنیای سرمایه‌داری یک پدیده عمومی است . خاص این کشوریا آن کشورسرمایه‌داری نیست هرچندشدت آن دراین یا آن کشورمتفاوت است ، درکشورهای پیشرفته سرمایه‌داری پدیده‌بی مسکنی به‌شدت گسترش می یابد .این امرازرشدبیکاری، کاهش سطح دستمزدها ،پایین آمدن قدرت خریدوسطح پایین تامینات اجتماعی یافقدان آن ناشی می شود .به این ترتیب بسیاری ازمردم امکان پرداخت کرایه خانه راازدست می دهندویاازخانه‌های اجاره‌ای بیرون رانده می شوند. شماری ازآنهاشب را در خوابگاههای عمومی ، که آنهم بطورمحدوددربعضی ازکشورها وجوددارد، به صبح می رسانند .بسیاری ازبی مسکنان شبها درمترو ، خانه‌های مخروبه ساختمانهای نیمه تمام ، ایستگاههای راه آهن ویادرکنارخیابانها درروی تکه کارتون وکاغذ به‌صبح می رسانند .درسالهای اخیرتعداد بی مسکنان درمراکزمهم جهان سرمایه‌داری مثل آمستردام ، پاریس ، لوس آنجلس ، نیویورک،توکیو به‌شدت افزایش یافته‌است . طبق گزارش کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد، دردوسال اخیردر جمهوری فدرال آلمان ۱۰۰ هزارتبعه‌آن به‌جرگه بی مسکنان پیوستندونزدیک به‌یک میلیون نفر در خانه‌های نیمه‌مخروبه زندگی می کنند. بنابه آمارداده شده توسط فرانس پرس درایالت متحده آمریکابیش از۳/۵ میلیون نفربی مسکن وجود دارد .همه‌این فاکتهادال بربی اعتنایی‌کامل دولتهای کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به‌حقوق اساسی انسانهاست‌که دراسنادمجامع بین المللی موردقبول عموم کشورها قرارگرفته‌است وخوداین کشورها ازامضاکنندگان این اسنادمی باشند.

* * *

درکشورما نیزمسئله مسکن ازحادترین مسائل زحمتکشان است . میلیونها نفرفاقد مسکن هستند. قدادزیادی اززحمتکشان در حلبی آبادها وبیغوله‌ها زندگی می کنند. دربیش از ۴ میلیون واحدبا مصالح مسکونی کشورمصالحی ازقبیل آهن وآجر بکارنرفته‌وتماماً گلی است وکمترین مقاومتی دربرابرهیچ عارضه طبیعی ندارد .تمام این ۴ میلیون واحدفاقدبرق وآب وامکانات زیستی ورفاهی اولیه‌است .درشهرهای ایران نیز خانواده‌های زیادی باهفت وهشت سرعائله حتی بیشترازاین دریک اتاق کوچک زندگی می کنند . برای اجاره یک اتاق درجمهوری اسلامی بدون امکانات رفاهی بایدمبلغ هنگفتی پیش پرداخت کرد .برای اجاره یک آپارتمان معمولی‌پیش‌پرداخت درحدود ۵۰۰ هزارتومان وگاه بیشترلازم است .

قیمت خانه وکرایه‌های خانه‌هرسال نسبت به سال قبل افزایش می یابد. بحران، جنگ وعوارض آن قیمت خانه وکرایه‌هارابطورسرسام‌آوری افزایش داده‌است . کارمندان وکارگرانی که اجاره‌نشین هستند ،بیش از۶۰ حتی ۷۰٪ ازدستمزدآنها راصاحب خانه‌ها به‌یغما می برند.

درجمهوری اسلامی دستیابی به خانه‌شخصی برای زحمتکشان یک آرزوی دست‌نایافتنی شده است .هرچنداکثروا حدهای تولیدی وموسسات بزرگ دارای تعاونیهای مسکن هستند ، اما این تعاونیها درشرایط بسیاردشواری فعالیت می کنند ، ارگان‌های حکومتی نه‌تنها باتعاونیهای مسکن همکاری نمی کنند ،بلکه باتمام نیرودرجهت بی اثرکردن آن گام برمی دارد.

وزارت مسکن وسازمان زمینهای شهری ترجیح می دهندکه زمین رادراختیارسرمایه‌داران و شرکتهای ساختمانی ویانهادهای گوناگون همچون سپاه ،جهاد، بنیادشهیدوغیره‌بگذارند. دادن زمینهای مرغوب‌خیابان "سئول" تهران به‌بنیاد شهیدویافروختن آپارتمانهای برج شیران در بزرگراه بعثت به‌عسکراولادی به‌مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان که‌فقط درانبارهای آن ۴۰۰ میلیون تومان کالاموجودبوده‌است ،نمونه‌هائی ازآنها می باشند . درمواقعی هم که‌ارگانهای دولتی زیرفشار تعاونیهای مسکن کارگری وکارمندی مجبوربه‌دادن زمین به‌آنان می شوند ، زمینی است‌که فاقد حداقل امکانات است . خانه‌های شهرک واوان در ۴۵ کیلومتری جاده ساوه درمیان بیابان بدون امکانات شهری، ویاواگذاری زمین به‌اتحادیه مسکن کارمندی تبریزدرخارج ازمحدوده شهردرجاده "ائل گولی"ازاین جمله‌اند .رژیم جمهوری اسلامی در۸ سال حاکمیت خودنه‌تنها به‌هیچ اقدام جدی درزمینه‌خانه سازی برای زحمتکشان دست نزد ،بلکه بسیاروحشیانه تراززرژیم پهلوی خانه‌های خارج از محدوده رابرسرساکنان آن خراب کرد .تخریب خانه‌های مردم زحمتکش درمناطق شهری ،قلعه حسنخان وجاده‌نظامی ازآن جمله‌اند .خامنه‌ای درتوجیه درماندگی رژیم درحل مساله مسکن ادعاکرده‌است‌که" مساله پیچیده مسکن درهیچ کشوری حل نشده‌است" ومعتقداست‌که"باتکیه‌به کمکهای مردم " برای حل مساله مسکن می توان اقدام کرد .عمده این کمکها هم عبارت ازوجوهی است‌که‌می‌بایست افراد "خیر" و... به"حساب ۱۰۰ امام" واریزکنند .ادعای رئیس جمهور، دروغ‌محض است . رئیس جمهوربابیان اینکه‌مساله مسکن درهیچ کشوری حل نشده‌است سعی درپنهان کردن سیاست ضدمردمی خویش درعرصه‌تامین مسکن برای بی‌مسکنان دارد .سیاست رژیم‌درموردمسکن نیزهمچون عرصه‌های دیگردردفاع ازسرمایه‌داران وملاکان وفراهم‌نمودن شرایط برای غارت زحمتکشان توسط استثمارگران می‌باشد.

"قانون مالک ومستاجر" و "قانون اراضی شهری" ماهیت دولت جمهوری اسلامی رادرحمایت ازغارتگران واستثمارگران به‌روشنی نشان می‌دهند .برای نشان دادن پوچی ادعای خامنه‌ای کافی است به‌حل مسکن دراتحادشوروی اشاره‌کنیم .درکشورهای سوسیالیستی اتحادیه‌های کارگری تجارب زیادی درحل مساله مسکن دارند. دراتحادشوروی فردبی‌مسکن وجود ندارد .آنجاکسی رانمی‌توان ازخانه‌اش‌بیرون انداخت ومجبورش کردکه‌درخیابان ها بخوابد .تنها درسال ۱۹۸۵ روزانه ۵۵۰۰ آپارتمان جهت بهبودوضع مسکن شهروندان شوروی ساخته‌شد.

درچکسلواکی بعدازپایان جنگ جهانی دوم ۳ میلیون ودویست هزارآپارتمان برای شهروندان ساخته‌شده‌است.

دولت جمهوری اسلامی بجای خانه‌سازی هرسال شرایط دریافت زمین ازجانب زحمتکشان را مشکل تر می‌کند .طبق آخرین طرحهای جمهوری اسلامی،تنها اعضائی ازتعاونی‌های مسکن که ۱۰۰ هزارتومان به مدت ۵ سال به‌حساب مسکن ریخته‌باشند ،استحقاق دریافت زمین راخواهندداشت . به‌این طرح جمهوری اسلامی درنشست تعاونی‌های مسکن کارگری شدیداً اعتراض شدوآنها اعتراض خودرا به‌طورکتبی به نخست وزیری ووزارت کارارسال داشتند .درنامه اعتراضی آمده‌است:"با این وضعیت حقوقی ومشکلات موجود،کدام‌کارگری قادراست ۱۰۰ هزارتومان را به مدت ۵ سال دربانک بخوابانندودرضمن بتوانند هزینه‌های بعدی ساختمان خانه‌راتامین نمایند؟" تازه‌بعدازاز ۵ سال نوبت قسط های ماهانه‌که‌رقم هنگفتی است فرامی‌رسد .با این طرح کذائی جمهوری اسلامی به‌هیچ وجه‌زحمتکشان قادربه‌تامین سرپناهی برای خویش نخواهندشد .تنها اقشارمرفه‌جامعه‌با استفاده‌ازاین قانون خواهندتوانست‌خانه‌های مجلل دیگری‌برای خودبسازند.

تصورحل کامل مسئله‌مسکن درچهارچوب نظام سرمایه‌داری یک توهم‌است . حل مسئله‌مسکن مانند سایرمشکلات اساسی جامعه‌سرمایه‌داری درگرو نابودی این نظام‌است .اما این بدان معنا نیست‌که زحمتکشان نبایدبرای حل مسئله‌مسکن تلاش نمایند. درکشورهای سرمایه‌داری اتحادیه‌های کارگری مبارزه‌گسترده‌ای رابرای حل مسئله‌مسکن پیش می‌برند .درکشورما نیزتلاش تعاونی‌های‌مسکن کارگری دراین راستاست .

تعاونی‌های مسکن کارگری،کارمندی ودهقانی بایدابتدا دوتقویت شوند .این تشکلها بایدبرای تامین زمین رایگان،وامبا شرایط سهل،مصالح ارزان، خدمات مهندسی،تامین خدمات شهری‌وسایرتسهیلات ضرورمبارزه‌کنندودولت راتحت فشارقراردهند .همه واحدهای بزرگ تولیدی وخدماتی بایدموظف شوند برای کارکنان خودخانه‌سازمانی بسازند .بایدتجارت وبورس‌بازی روی زمین های شهری واحتکار مسکن راقاطعانه‌افشاکنندومبارزه‌شان راجهت ضبط املاک محتکران،لغوقوانین ارتجاعی وبکرسی نشاندن حقوق وقوانین عادلانه‌پیش ببرند. باید مبارزه‌روزمره‌وجاری زحمتکشان وخانه‌بدوشان برای تقلیل نرخ اجاره‌بها وفراترازآن تامین مسکن مناسب ، بامبارزه‌برای ازمیان برداشتن موانع اساسی ومقدم‌این راه‌ازطریق مبارزه‌برای پایان دادن به‌جنگ وسرنگونی رژیم‌جمهوری اسلامی توام‌گردد●

زندانی سیاسی... بقیه ازصفحه اول

خودسوزی یک زندانی درتیرماه‌واعتراضات گسترده زندانیان به‌شرایط خفقان بارزندان،قطع ملاقات اخیربیانگرخطرات تازه‌ای است که‌جان زندانیان سیاسی گوهردشت راتهدیدمی‌کند .چراکه‌درزندان های فقها ،قطع ملاقات همواره‌برای جلوگیری ازانتقال اخبارمبارزات زندانیان وتبهکاریهای مسزدوران رژیم‌صورت می‌گیرد.

خانواده‌های زندانیان سیاسی،به‌قطع ملاقات بطورجمعی اعتراض کردند .مزدوران رژیم‌به‌مادران، پدران وهمسرانی که‌خواستارملاقات با عزیزان دربندخودبودند یورش بردند ،آنها را موردضرب وجرح قرارداده‌وگروهی را دستگیرکردند.

اعتصاب غذای پی درپی ومبارزات بی‌وقفه زندانیان سیاسی اوین وگوهردشت که‌درزیرسایطور خونجکان فقهای تبهکاردرسراسرتابستان ۶۶ ادامه یافت ، برگه‌زرین دیگری برصفحات درخشان حماسه آفرینی‌های زندانیان سیاسی افزودوبارديگر این شعارتوده‌های مردم‌درروزهای انقلاب بهمن را درخاطره‌ها زنده‌وبرزبانها جاری کرد:

زندانی سیاسی قهرمان! دردودخلق‌ایران برتوباد!

* * *

مبارزات دلاورانه‌زندانیان سیاسی،موجی‌از مبارزه‌وهمبستگی‌درمیان نیروهای انقلابی،ایرانیان ازاده‌خارج ازکشوروبشریت ترقی‌خواه رابرانگیخت . نمونه‌هائی ازاین پیکارهمبستگی‌را نقل می‌کنیم:

* شماری کثیرازایرانیان آزادیخواه‌که درشهرکلن آلمان به‌دعوت‌سازمان مادست به‌اعتصاب غذای نامحدودزده‌بودند، در۹ مرداد ،پس‌ازپایان پیروزمندانه‌اعتصاب غذای زندانیان سیاسی دراوین وگوهردشت بعدازده‌روزبه‌اعتصاب غذای خودپایان دادند.

این اعتصاب غذاکه‌طی چندسال اخیردرنوع‌خود کم‌نظیربود،با استقبال گسترده‌هم‌میهنان مقیم کلن وشهرهای اطراف مواجه‌گردید .خبرآن‌درپرسانه‌های خبری آلمان فدرال وجهان وسیعا بازتاب یافت وانعکاس‌گسترده‌آن درداخل کشور ،بویژه‌درمیان خانواده‌های زندانیان سیاسی ودربین دلاوران‌دربند به‌آن ویژگی خاصی بخشید.

نیروهای مترقی آلمان باارسال ۱۵۰ پیام همبستگی،خواست اعتصابگران مبنی برتامین امنیت جانی وآزادی زندانیان سیاسی،قطع جنگ و محکومیت رژیم‌خمینی رامورداتائیدوپشتیبانی قرار دادند.

علاوه‌برکلن درشهرهای اولدنبورگ،نورنبرگ هایدلبرگ،فرانکفورت ،اشتوتگارت و زاربروگن نیزاعضاوهواداران سازمان وسایرسازمانهای انقلابی،مهاجرین سیاسی وایرانیان آزاده ،با اعتصاب غذا به‌حمایت اززندانیان سیاسی‌برخواستند. دراین شهرها هم‌نیروهای مترقی آلمان فدرال با اعلام‌پشتیبانی اززندانیان،رژیم‌خمینی را محکوم نمودند .دروین پایتخت اطریش نیزبه‌دعوت سازمان اعتصاب غذای همبستگی برگزارشد.

* درهندوستان،حزب کمونیست هند ،حزب کمونیست هند (مارکسیست) ،جبهه‌پیشرو ،حزب سوسیالیست انقلابی،فدراسیون دموکراتیک جوانان هند ،کنگره‌اتحادیه‌های کارگری سراسری هند ،مرکز اتحادیه‌کارگری هند ،شورای ملی فدراسیون نویسندگان مترقی هند ،فدراسیون سراسری‌جوانان هند ،فدراسیون سراسری دانشجویان هند ،فدراسیون ملی زنان هندوانجمن دموکراتیک سراسری زنان هند بازندانیان سیاسی ومردم‌ایران اعلام‌همبستگی کردندورژیم‌خمینی رابه‌عنوان رژیمی جنگ طلب وآزادی کش محکوم‌نمودند.

* دربلژیک ، حزب کمونیست ، جنبش ضد نژادپرستی،سازمان جوانان حزب کمونیست ،جنبش جوانان کمونیست وشماری ازشخصیت های مترقی، ضمن اعلام‌همبستگی بازندانیان سیاسی ومردم ایران رژیم‌خمینی را محکوم‌نمودند.

* کمیته‌فرعی کمیسیون حقوق بشرسازمان ملل متحدبا تصویب قطعنامه‌ای جمهوری اسلامی رابه خاطرنقض خشن وآشکارحقوق بشرمحکوم‌کرد .درقطعنامه به‌اعدام‌دهها هزارنفرتوسط رژیم‌خمینی اشاره‌شده است .

دراردیبهشت گذشته‌نیزسازمان عفوبین الملل باانتشارگزارشی جنایات رژیم‌درزندانها راافشا ومحکوم‌کرده‌بود.

محکومیت مکررژیم‌درمجامع رسمی جهانی نشانه‌انزوای بازهم‌بیشترآن وگسترش همبستگی جهانی بامردم‌ایران است●

به برنامه‌های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرا دهید

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

درباره تبلیغات (۲)

"خودتبلیغات ما وتبلیغات همه کارگران سوسیال دمکرات یکی از عوامل است که تعیین می‌کند انقلاب خواهد بود یا خیر؟ (لنین)

ما در شماره گذشته درباره مفهوم تبلیغات کمونیستی وتبلیغ سوسیالیستی ودموکراتیک سخن گفتیم. اینک به برخی اصول اساسی تبلیغ سازمان انقلابی طبقه کارگر می‌پردازیم:

اتکا به حقیقت وبیان حقایق

اتکاء به حقیقت وبیان حقایق آن پرنسیب اساسی است که تمامی اجزای دیگر تبلیغات سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر در زیر پرچم آن عمل می‌کند. این امر ناشی از آن است که به اعتقاد ما تخریب دنیای کهن و ساختمان جهان نوین بدون آگاهی طبقه کارگر وتوده زحمتکش وبدون شرکت آگاهانه وسازمان یافته آنان ناممکن است.

اصل اتکاء به حقیقت بیانگر تفاوت بنیادین وماهوی میان تبلیغ کمونیستی ازیکسو وتبلیغ بورژوائی وخرده بورژوائی ازسوی دیگر است. تبلیغ امپریالیسم وارتجاع به طور قانونمند بر دروغ، کتمان حقیقت وفریب توده‌ها استوار است. تحریف حقیقت وفریب همچون استثمار در طبیعت طبقات استثمارگر نهفته است. امپریالیسم وارتجاع از بیان کدام حقیقت سود خواهد برد؟ مگر نه این است که بیان حقایق پیرامون غارت مردم، قتل آن وستم‌های بی‌حدوشمار در حق مردم زحمتکش و... به زیان خود اوست؟ مگر نه این است که بیان حقیقت درباره کمونیست‌ها واهداف آنان به زیان خودسرمایه‌داری منجر خواهد گشت؟

همانگونه که تحریف حقیقت ذاتی تبلیغ سرمایه‌داریست، همانگونه نیز از سیستم تبلیغات "فقاهتی" به مثابه خادمان طبقات ارتجاعی، تفکیک ناپذیر است. در آمیخته شدن این هردو، همان تبلیغاتی است که از نخستین روز جلوس خمینی بر تخت خلافت واستقرار حاکمیت بورژوا - تئوکراتیک جمهوری اسلامی پیش برده شده ونمونه برجسته فریبکاری نیروهای ارتجاعی است.

تبلیغات کمونیستی ما هیچگاه با کتمان حقیقت وفریب توده‌ها بیگانه است. آن کدام حقیقت است که درصورت بیان آن طبقه کارگر وتوده زحمتکش زیان خواهند دید؟ غارت سرمایه‌داری، جنایات ارتجاع، فجایع جنگ، ضرورت سرنگونی رژیم وقطع جنگ، ضرورت نابودی سرمایه‌داری... کدام یک؟ چنین حقیقتی وجود ندارد. از این رواست که حقیقت همواره انقلابی است و "ما نیازی به صحنه‌سازی ورنگ آمیزی نداریم. حزب انقلابی حقیقت را طلب می‌کند" (لنین)

پیوند با توده‌ها

نه آگاهی طبقاتی خودبخود به میان طبقه کارگر راه خواهد یافت ونه عموم زحمتکشان بدون وجود رهبری آگاه وپیشتاز زورزمنده قادر به مبارزه با آگاهانه وسازمان یافته در راه منافع خویشند. آگاهی طبقاتی را چگونه باید به میان طبقه برد؟ مبارزه عموم خلق را چگونه باید برانگیخت وسازمان داد؟ نخستین گام در این راستا پیوند با توده‌هاست.

کمونیست‌ها فرقه‌ای ریاضت کش نیستند که در کنجی بنشینند ومدام "احکام جاودانه" و "کلمات کهربار" را تکرار کنند، در مدح سوسیالیسم ودردم سرمایه‌داری دادسخن سردهند ومنتظر آن باشند که در یک صبح زیبا پرده از چشمان کارگران وزحمتکشان کنار رود وبه انقلاب برخیزند. بدون زندگی با مردم، بدون درک نیازها وسطح آگاهی وروحیات آنان، بدون شرکت فعال در مبارزه روزمره مردم، بدون یافتن زبان هرگروه اجتماعی و... سخن از آگاه ساختن ورهبری مردم در میان نخواهد بود. تئوری مادام که به روح وقلب مردم راه نیابد وآنان را برنیانگیزاند جز کلمات زیبا چیز دیگری نیست. از این رو باید به قول لنین واحدهای سیاسی سپاه خود را به هر سو گسیل داشت. زیرا:

"سیاست از جائی آغاز می‌شود که میلیونها تن ونه هزاران تن وجود دارند وآنجائی که میلیونها هستند، فقط در آنجا سیاست جدی آغاز می‌شود" (لنین)

عرصه فعالیت کمونیست‌ها با توجه به نیرومندی سازمان کمونیستی واوضاع سیاسی - اجتماعی واقتصادی جامعه در هر دوره معین تغییرپذیر است ولی آنچه که همواره باید در مدنظر باشد کار در میان طبقه کارگر - به ویژه کارگران واحدهای استراتژیک در مراکز صنعتی - است. اینک، در کشور ما با توجه به ساختار آن، بحران حاکم، وضع فلاکت آمیز طبقه کارگر وتوده زحمتکش ودر راه بودن تلاطمات وتوفان‌های بزرگ، عرصه‌ای را نمی‌توان یافت که نتوان در آن کار کرد. علاوه بر کار در میان طبقه کارگر، کار در میان زحمتکشان حاشیه شهرهای بزرگ وزحمتکشان شهری دارای اهمیت جدی است. دهقانان، زحمتکشان شهرها، توده بیکاران، کارمندان جزء، آوارگان جنگی، توده سربازان وارتشیان، دانشجویان ودانش‌آموزان و... دارای زمینه‌های جذب اندیشه انقلابی وحرکت علیه رژیم هستند.

از این رو باید با اجتناب از تبلیغ پراکنده و بی‌هدف در اینجا وآنجا، با متمرکز ساختن تبلیغات برروی نیروهای معین، بطور مستمر وپیگیر عمل کرد وهمواره در نظر داشت که هدف از تبلیغ آگاهگری، سازماندهی وبسیج توده‌هاست.

آگاهگری به مثابه نخستین گام خود دارای قانونمندی‌های خاص خویش است. بدون درک نیازهای مردم وبدون توجه به سطح آگاهی و روحیات آنان موفقیت تبلیغ ناممکن است.

درک نیازهای عاجل توده‌ها

درک نیازهای عاجل توده‌ها، یکی از حلقه‌های اساسی در کار آگاهگرانه است. باید از طرفی نیاز عموم طبقه وعموم خلق واز طرف دیگر نیاز هرکدام از اقشار وطبقات اجتماعی، خواسته‌ها حالی یک منطقه، شهر، محله، کوچه، کارخانه، کارگاه، اداره و... را به تفکیک شناخت ودر مبارزات آنان به خاطر همان نیازهای عاجل - هرچند هم خرد - همراهشان و پیشاپیشان بود.

"کمونیست‌ها در تمامی مظاهر خودبخودی (خودبخودی) مبارزه طبقه کارگر، در تمام تضادمات میان طبقه کارگر وسرمایه‌داران بر سر ساعات کار وروزانه، دستمزد، شرایط کار وغیره وغیره شرکت می‌ورزند. وظیفه ما عبارت است از درآمیختن فعالیت خود با مسائل عملی ومعیشتی زندگی کارگری، کمک به کارگران برای پی بردن به مفهوم این مسائل، معطوف ساختن ذهن کارگران به مهم‌ترین سوءاستفاده‌ها، کمک به آنان برای طرح ریزی دقیق تر وعملی تر خواست‌های خود از کارفرمایان، با لابردن سطح آگاهی کارگران در زمینه همبستگی با یکدیگر وآگاه ساختن آنان از منافع مشترک وامر مشترک تمام کارگران... به عنوان طبقه کارگر که بخشی از سپاه جهانی پرولتاریا را تشکیل می‌دهد." (لنین - وظایف سوسیال دموکرات‌های روس)

علاوه بر این باید از هرستم ارگان‌های قهر رژیم، از هرجنایت نهادهای حکومتی واز هردروغ‌پردازی سران رژیم جهت آگاه ساختن طبقه، به رابطه دولت وسرمایه‌داران ونیز جهت نشان دادن منافع مشترک این طبقه با دیگر اقشار خلق در سرنگونی رژیم، سود جست. این دو نوع تبلیغات هم چون دوروی یک سکه اند وبه یکسان برای رشد خودآگاهی طبقاتی کارگران ورهبری مبارزه طبقاتی ضروری است.

اینک در میهن ما هرچند نیاز حقیقی توده مردم در این دور، سرنگونی رژیم واستقرار صلح ودموکراسی است، ولی نمی‌توان به بهانه این امر به خواست‌های خرده‌این یا آن گروه به دیده تحقیر نگریست. با پیدایش نیازها ومشکلات را شناخت وبا شرکت در مبارزه این اقشار وگروه‌ها برای دستیابی به این نیازها، آنان را به ضرورت مبارزه برای نابودی کل رژیم واقف ساخت. اینک علاوه بر ستم‌های عمومی، ستم‌هائی هست که گروه معینی از آن در رنجند وهمین ستم مسئله عاجل آنها است. چه بسا نیاز به رفع این ستم ویا خواست این یا آن چیز، گذرا باشد؛ ولی مبلغ با چشم بستن به این نیازهای خرده هرگز قادر نخواهد گشت مردم را به اعتماد به نیروی خود وضرورت مبارزه با منشاء این فجایع سوق دهد.

طبقه وتوده، روشنفکرانی نیستند که با مطالعه کتب درباره طبقات، دولت، نهادهای مختلف، دین و... به قانونمندی‌های مبارزه طبقاتی پی برند. آنان را جز از راه آموزش مستمر وروزمره نمی‌توان به قانونمندی‌ها آگاه ساخت. توده‌ها از خاص به عام واز ساده به مرکب می‌رسند. باید با درک نیازهای توده‌ها به آنان کمک کرد تا با اتکا به تجربه خود، تا با مشاهده مناظر زندگی استثمار سرمایه‌داری وجنایات رژیم‌های ارتجاعی به شناخت خود عمومیت بخشند. افشاگری همه جانبه سیاسی، شرط ضرور واصلی پرورش روح فعالیت انقلابی توده‌هاست.

پس پیوند با توده‌ها، درک نیازهای آنان، درآمیختن فعالیت خود با مسائل عملی ومعیشتی طبقه کارگر وعموم زحمتکشان، افشاگری سیاسی و... از دو نظر حائز اهمیت است:

اولا: از نظر آموزش طبقه وتوده با اتکاء به واقعیات عملا موجود.

ثانیا: از نقطه نظر جلب اعتماد آنان به کمونیست‌ها به مثابه انقلابی‌ترین نیرو وماعدا ساختن زمینه برای فعالیت آگاهگرانه وسازمانگرانه.

تبلیغات پیشاهنگ طبقه کارگر باری بزرگ در تامین این دو مهم بردوش می‌کشد.

شناخت روحیه توده‌ها

مبلغ باید همواره در نظر داشته باشد که طرف تبلیغ او، چه عموم خلق و چه کارگران یک کارخانه ویا اهالی یک محل، نه "کاغذسفیدی" که به راحتی بتوان همه چیز را در آن نوشت، بلکه انسان‌هائی هستند که دارای حالات روحی معین اند وتبلیغ به مثابه یک پروسه روانی موظف به توجه به آن می‌باشد.

درمجموع می‌توان احساسات وحالات روحی توده‌ها را به دو بخش مثبت ومنفی تقسیم کرد:

"۱- حالت رکود انسانها، تسلیم در برابر فقر وفقدان حقوق وعادت به ستم.

۲- اعتراض، خشم، نارضایتی وطغیان علیه سرچشمه بلاواسطه فقر...."

تبلیغ در هرکدام از دو دوره عمومی فوق دارای ویژگی‌های خویش است. نمی‌توان هم در دوره رکود وهم در دوره اعتلای انقلابی وهم در موقعیت انقلابی تبلیغات واحدی را پیش برد. افشای ماهیت خمینی در دوره‌ای که توده‌ها او را فرشته نجات خویش تلقی می‌کردند، با یدبه نوعی ودر شرایط کنونی که به مثابه ابلیس وقاتل فرزندان خلق منزوی شده، به نوعی دیگر انجام گیرد.

مبلغ علاوه بر توجه به روحیه عمومی حاکم بر همه توده‌ها، هنگامی که گروه معینی هدف تبلیغات اوست، باید تبلیغ خود را با توجه به احساسات وروحیه همان گروه نیز سازمان دهد. کارگران یک کارخانه یا ساکنان یک محل با توجه به تجارب قبلی خود، سطح آگاهیشان وبرخی عوامل دیگر دارای روحیه‌ای هستند که چه بسا با کارگران کارخانه همجوار ومحله مجاور متفاوت است. تبلیغ بدون توجه به این روحیات محکوم به شکست است.

شناخت زبان وفرهنگ خلق

باید با توده‌ها نه به زبان روشنفکران وبا جملات کتابی بلکه به زبان مبارزان ومرتوده‌ها سخن گفت. چه بسا رندکلمات واصطلاحاتی که در میان روشنفکران ساده به شمار می‌رود وازفرط تکرار به کلمات عادی در میان آنان تبدیل شده‌اند، ولی برای مردم مفهوم نیستند. باید از عبارت‌پردازی‌ها واستعمال فرمول‌های کتابی خودداری کرد. شناخت زبان توده‌ها نه فقط استعمال کلمات ساده بلکه آموختن شیوه‌های استدلال وتفهیم وبهره‌گیری از فرهنگ خلق است. اصطلاحات وضرب المثل‌هائی هستند که مردم برای درک آسان منظور خویش آفریده‌اند. با یدوسیعا از مجموعه فرهنگ شفاهی خلق برای آگاهگری آنان بهره گرفت.

"مبلغ باید به نحوی صحبت کند که منظورش درک شود. او باید چیزی را که برای شنوندگانش کاملا آشناست، به عنوان نقطه شروع کار خود انتخاب کند. شخص ناچار است با سورچی به نحوی متفاوت با ملوانان وبا ملوانان به نحوی متفاوت با کارگران چاپخانه صحبت کند." (لنین)

پس برای آنکه تبلیغی موثر داشت باید به میان مردم رفت، درشادی واندوه آنان همراهشان بود، تا آن حد که رابطه میان پیشرو وتوده‌ها زمیان نرود، با آنان درآمیخت، روحیات وروانشناسی، نیازها وخواستهای عاجل طبقه کارگر وعموم مردم را درک کرد. آنها را با نیازهای اصلی هرمرحله پیوند داد، از زبان روشنفکران پرهیز کرد، از توده‌ها آموخت وآموخته خود را به بیان صحیح به آنان بازگرداند، دوشادوش وپیشاپیش آنان در راه خواستهایشان رزمید واین است یکی از شروط موفقیت تبلیغ سازمان پیشاهنگ.

(ادامه دارد)

www.iran-archive.com

"چاره رنجبران وحدت وتشکیلات است". کمتر کارگرمبارز، روشنفکرانقلابی وکمونیست ایرانی است که این شعرمعروف ابوالقاسم لاهوتی را دربار دوبرزبان نداشته وازآن درمبارزه علیه ستم واستثمار الهام نگرفته باشد.

ابوالقاسم احمدزاده لاهوتی، میهن پرست وانقلابی پرشور، باآمیختن ذوق واحساسات شاعرانه بسا عریان ترین وپرتپش ترین عرصه های جدال طبقاتی ازموضع طبقه کارگروزحمتکشان، نام خودرا به عنوان نخستین ومشهورترین شاعرپرولتری ایران درتاریخ مبارزات انقلابی معاصر، درادبیات کارگری ومردمی میهن ما به ثبت رسانده است.

ابوالقاسم لاهوتی سال پیش در خانواده ای زحمتکش (پیشه ور) درکرمانشاه به دنیا آمد. ازکودکی قریحه شاعری را درخودیافت. در ۲۰ سالگی به شعبه "جمعیت آدمیت" (ازمحافل روشنگری آن دوره) درکرمانشاه پیوست ودرهمین زمان به سرودن اشعار سیاسی وآزادیخواهانه پرداخت. لاهوتی باآغازجنبش مشروطیت به سوی آن جلب شدو باشوروشوق بسیاربه آن پیوست. شاعرآزادیخواه به مناسبت فتح تهران به دست انقلابیون مشروطه تصنیفی سرودکه بخشی ازآن چنین است:

جوانمردان ایران مردانه کوشیدند
تاجامه غیرت برتن پوشیدند
دیدی آخرخون ناحق چسان موثرشد
مشروطه دایرشد
سرچشمه های عدل یکباره جوشیدند...

درسال ۱۲۹۴ درکرمانشاه روزنامه انقلابی و دمکراتیک "بیستون" به همت اوانتشاریافت اوباتاثیرپذیری ازپایمردی انقلابیون سازش ناپذیرصدرمشروطه وادامه دهندگان پیگیرراه آزادی وعدالت، شورآزادیخواهی را با اندیشه دفاع اززحمتکشان درآمیخت:

شادبمان ای هنری رنجبر
ای شرف دوده نوع بشر
ای زتوآبادجهان وجود
هیچ نبودارکه وجودت نبود
دولت شاهان اشرگنج توست
راحت اعیان ثمررنج توست
گرتودوروزی ندهی تن به کار
یکسره ناابودشودروزگار
باعث آبادی عالم توئی
رنجبرا، معنی آدم توئی

لاهوتی ازنخستین افسران میهن پرست و انقلابی زاندارمری بودکه جندی پیش ترتاسیس شده ودرصفوف آن میهن پرستان پرشوری چون کلنل محمدتقی خان پسیان نیزقرارداشتند. اودرمقام فرماندهی زاندارمری قم دراعتراض به خودکامگی های حکومت مرکزی وسرکوبی آزادی خواهان وانقلابیون، به تدارک قیام پرداخته اما نقشه قیام پیش ازبرپائی آن کشف شدولاهوتی ناگزیرازترک دیارگشت وبه ترکیه مهاجرت کرد. وی غیابا به اعدام محکوم شد. در

هنر و ادبیات مردمی

لاهوتی، میهن پرست پرشور، شاعر رنجبران

زمان اقامت دراستانبول اوهمراه عده ای دیگر ازمهاجرین سیاسی دست به انتشارنشریه ای انقلابی زدکه به زبان فارسی وفرانسه چاپ میشد.

اما به زودی باوقوع برخی تغییرات ناشی از کشمکشهای سیاسی دردستگاه حکومت مرکزی، لاهوتی امکان یافت به میهن بازگردد ودرموقعیت ویژه ای که پیدا شده بودتوانست درراس واحدزاندارمری تبریزقرارگیرد.

دربهمن ماه ۱۳۰۰ قیام تبریزبه رهبری لاهوتی وبه همراهی گروهی دیگرازافسران زاندارمری علیه اقدام رضاخان جهت تصفیه ارتش وزاندارمری از افسران انقلابی، برپا شد. قیام کنندگان موسسات دولتی راتصرف کردندوبا تشکیل "کمیته ملی" خواستارقطع نفوذامپریالیسم انگلیس، اصلاحات دمکراتیک وبرکناری رضاخان ازپست وزارت جنگ شدند.

اما قیام شکست خوردولاهوتی باردیگرناگزیر به ترک میهن شدوبه اتحادشوروی مهاجرت کرد.

مسائل ونیازهای کشورجوان سوسیالیستی و شورانقلابی پایان ناپذیرلاهوتی برای خدمت اینبارگرانه به آرمان رنجبران، اورا به عرصه نویسنده ازکارویپکارکشاند: ریشه کنی کهنه وساختن نو. میهن پرست انقلابی، خصائل انترناسیونالیستی خود را درخدمت ساختمان زندگی وفرهنگی مردم تاجیکستان شوروی درسال های پس ازانقلاب اکتبر درآورد.

لاهوتی ازسال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) به عنوان عضو هیئت رئیسه اتحادیه نویسندگان شوروی انتخاب شد. اوبه خاطرتلاش خستگی ناپذیروپرشمرفرهنگی وهنریش، که احترام عمیق روشنفکران وهمه مردم تاجیکستان را نسبت به وی برانگیخت، به دریافت نشان لنین وچندنشان افتخاردیگرنائل آمد.

جمهوری شوروی تاجیکستان درماه جاری جشن بزرگداشت سده تولدلاهوتی را برگزارمیکند. این جشن دربایتخت های دیگرجمهوری های اتحادشوروی ونیزتعدادی ازشهرهای کشورهای دیگرجهان، همزمان برگزارخواهدشد.

ابوالقاسم لاهوتی به مثابه نخستین شاعر پرولتری ایران، شعرش را با برخیزوجوش ترین عرصه های زندگی، عرصه جدال نوباکهنه، زحمتکش در برابربرغارتگروکارگردرمقابل سرمایه دارپیوندداد. اوبا کلامی توده فهم آموزشهای سترگ علم انقلاب را در قالب شعرآورد:

...ازسواران مسلح یکی آمدبه سخن:
- کنیت چیست؟ بگو!
- گفتم این که من ازعائله رنجبرم
زاده رنجم وپرورده دست زحمت
تسلیم ازکارگران.
حرف من این که: چراکوشش وزحمت ازماست
حاصلش ازدگران؟
این جهان یکسره ازفعله ودهقان برپاست
نه که ازمفت خوران
غیرازاین من زگناه دگری بی خبرم.
دیگری گفت که: گوبندتو "آشوب کنی"
ضدقانون ووطن
دشمن شاهی وبی دینی ودهری مذهب
جنگ جو، فتنه فکن
پرده ازکارسراندازم میبجان مطلب
راستی گوی به من!
تومگرعاشق حبس وکتک وتبعیدی؟
- تندترمی دوی ازمن، اگرآگاه شوی.
دادش اینگونه جواب
"دین وقانون ووطن" آلت اشراف بود.
رنجبرلخت وکباب،
سگ خان باجل مخمل! بگواینصاف سود؟
خانه چیل خراب.
حیله است این سخنان، کاش که می فهمیدی!
این عبارات مطلاهمه موهومات است
بندراه فقرا.
چیست قانون کنونی؟ خبرت هست ازاین؟
حکم محکومی ما.
بپرآزادشدن درهمه روی زمین
ازچنین ظلم وشقا
چاره رنجبران وحدت وتشکیلات است.

عشق شاعرمیهن پرست وانترناسیونالیست به میهنش ایران، تاپایان عمر، باقلب پرشوروجان بیدارش آکنده بود:

تنیده یادتودرتاروپودم، میهن ای میهن
بودلبریزازعشقت وجودم، میهن ای میهن
توبودم کردی ازنابودی وبامیپروردی
فدای نام توبودوشودم، میهن ای میهن
فزون ترگرمی میهرت آنرمی کرد چون دیده
به حال پرعذابت می گشودم، میهن ای میهن
به هرمجلس، به هرزندان، به هرشادی، به هرماتم
به هرحالتکه بودم، باتوبودم، میهن ای میهن
اگرمستم اگرهشیار، اگرخوابم اگرسیدار
به سوی توبودروی سجودم، میهن ای میهن
به دست دلگیاهی جزگل رویت نمی رویید
من این زیباسرزمین راآزمودم، میهن ای میهن
۱۳۳۴ (۱۹۵۵)

باداین شاعرانقلابی وآزاده، این میهن پرست وانترناسیونالیست پرشور، درخاطره زحمتکشان ایران جاویدوپرچم شعرش فراراه رهائی کارگران ورنجبران ایران درافتازاست:

"چاره رنجبران وحدت وتشکیلات است".

آفریقای جنوبی: بزرگترین اعتصاب کارگری

افریقای جنوبی درماه گذشته شاهدبزرگترین و بی سابقه ترین اعتصاب تاریخ جنبش کارگری خودبود. رهبری اعتصاب را "اتحادیه ملی کارگران معدن" بزرگترین عضو "کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی" دردست داشت. این حرکت که با خواست های ۳۰٪ افزایش حقوق کارگران سیاه پوست، تامین ایمنی کار،... واعلام ۱۶ ژوئن، سالروزکشتار مردم سوتوبه دست رژیم نژادپرست، به عنوان روز تعطیل با استفاده ازحقوق آغازشد، سه هفته به طول انجامیدو ۳۵۰هزارتن ازکارگران معادن درآن شرکت جستند.

اعتصاب موردپشتیبانی کارگران دیگرصنایع افریقای جنوبی قرارگرفت وحمایت بین المللی وازجمله همبستگی "کنفدراسیون عمومی کار" را به خود جلب کرد.

رژیم نژادپرست افریقای جنوبی برای خرد کردن اعتصاب به تاکتیک های شناخته شده تهدیدو سرکوب، تطمیع وامتیازهای جداگانه دست زد. از طرفی آنها را موردضرب وشتم قرارداد. اعتصاب را به خون کشیدو ۹ نفرازکارگران را وحشیانه به قتل رساند. بسیاری را به زندان افکند. ده ها هزارنفر را اخراج کردواز سوی دیگراقدام به لغوقانونا امتیاز سفیدپوستان درانتخاب شغل وموافقت با خواست افزایش حقوق دربرخی معادن کرد. اما علیرغم این تمهیدات، رژیم نتوانست تاپایان اعتصاب هیچگونه سستی وباحرکت انشعاب گرانه ای درمیان اعتصابیون به وجودآورد.

خواست اصلی اعتصاب کنندگان ۳۰٪ افزایش حقوق برای کارگران سیاه - تحقق نیافت. اما صاحبان معادن که طی این مدت بیش از ۲۰۰ میلیون دلارخسارت دیده بودند، ضمن دادن امتیازات مهمی، پذیرفتندکه تمامی کارگران اخراجی به سر کار برگردند.

اهمیت اعتصاب کارگران افریقای جنوبی بیش ازهرچیزدرمضمون واهمیت سیاسی آن نهفته است. اعتصاب درشرایط "وضعیت فوق العاده" در کشورودرموقعیتی انجام گرفت که جنبش توده ای وسیع سیاهان، زیرسرکوب گسترده رژیم "بوتا" فروکش کرده است ومقابله با نظام حاکم را اهدای جدید وموثرتری می طلبید. معاون اتحادیه اهمیت این اعتصاب درجنبش کارگری ودموکراتیک افریقای جنوبی راچنین ارزیابی کرد: "حرکت قاطعانه طبقه کارگرافریقای جنوبی درمبارزه برای محو جدائی نژادی وتحول دموکراتیک درکشور"

اعتصاب کارگران معدن افریقای جنوبی نشان دادکه پرولتاریای سازمان یافته این کشورتحت رهبری کنگره اتحادیه ها، مهمترین گردان جنبش دموکراتیک درافریقای جنوبی است ●

کره جنوبی: کارگران به پا خاسته اند

اعتصابات وتظاهرات کارگری سراسرکره جنوبی را فراگرفته است. درطول دوماه گذشته صدها هزار کارگرکارخانه های بزرگ کشتی سازی، اتومبیل سازی، صنایع برق، معدن، حمل ونقل، رانندگان اتوبوس و تاکسی درنقاط مختلف کشوردست به اعتصابات جمعی و واحدصنعتی زدربرگرفته است. طبقه کارگرکره برای افزایش سطح دستمزد، بهبودشرایط کار، ایجاد اتحادیه مستقل کارگری، آزادی زندانیان سیاسی، علیه استبدادواختناق وبرای دموکراسی وانجام انتخابات آزاد، مبارزه خودرا تشدیدکرده است.

درقانون کاردیکتاتوری کره اعتصاب ممنوع است وکارگران حق تشکیل سندیکای مستقل ندارند. دستمزدفوق العاده نازل است، زمان کارهفتگی ۵۷ ساعت وبالاترین رقم درسطح جهان است.

براثراوج گیری اعتصابات درواحدهای گوناگون صنعتی درهفته های اخیر، دولت کره جنوبی دست به حملات گسترده علیه اعتصاب کنندگان زده است هزاران پلیس به کارخانجات ماشین سازی وکشتی سازی ومناطق معدنی یورش بردندوصدها کارگررا مضروب ومجروح وبازداشت کردند. وزیرکارریژیم کره مجددا اعلام کرده است که "تدابیرپرحمانه ای علیه کارگران اعتصابی اتخاذخواهدکردودست به اقدامات قاطعی خواهدزد". دیکتاتور "چون دوهوان" خواهان پایان اعتصاب شده وگفته است به اقدامات سرکوبگرانه علیه "نیروهای سیاسی وغیرقانونی، خرابکارروچپ" خواهدافزود.

علیرغم همه این فشارها اعتصاب قهرمانانه نزدیک به ۵۰ هزارکارگرکارخانه ماشین سازی "هیوندا" درکره به موفقیت بزرگی دست یافته است. مدیریت کارخانه مجبورشده است سندیکای جدیدالتاسیس کارگران را به عنوان طرف مذاکرات به رسمیت بشناسد.

بحران فزاینده سیاسی، رژیم دیکتاتوری کره جنوبی را وادارباعقب نشینی های بیشتری کرده است قرار است تاسه ماه آینده "انتخابات آزاد" ریاست جمهوری برگزارشود.

جنبش گسترده کارگری درکره جنوبی اجرای نقشه های کاخ سفیدرا که قصددارد به دیکتاتوری و حکومت سرمایه داران رنگ ولعاب جدیدی بدهدوبا جایگزین کردن مهره ها، استثمارروستم سرمایه داری و محرومیت توده ها راتداوم بخشد، دچارا شکال کرده است. گسترش بی وقفه جنبش توده ای درکره جنوبی که با حضورگسترده ویکپارچه طبقه کارگردرصحنه مبارزه خلق، اعتلای جدیدی یافته است نشانگرتغییر روزافزون توازن قوا به نفع مردم وعلیه دیکتاتوری وروش های محافظه کارانه است ●

کارگران پیشرو! هسته های مخفی کارگری راسازمان دهید، ازهمه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

www.iran-archive.com

ادامه معاملات پشت پرده

در اوج تبلیغات ضدآمریکائی حکومت اسلامی، هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی ان.بی.سی" برای چندمین بار با وقاحت و زبونی از تمایل جمهوری اسلامی به برقراری مناسبات با آمریکا سخن گفت. توبه‌نامه تازه رفسنجانی را روزنامه‌ها برادر اوایل ماه گذشته به چاپ رساند. رفسنجانی خطاب به امپریالیست‌های آمریکائی گفت: "شما اگر غیرمستقیم حرف حسابی بزنید و خصومتی نکنید، می‌شود خصومت‌ها را کم کرد. شما می‌توانید هرچه می‌خواهید به ما بگوئید. از طریق کشورهای دوستی که در منطقه دارید. آنها با ما رابطه دارند. شما می‌توانید حرفتان را به ما بزنید و جواب ما را بگیرید."

از این آشکارتر نمی‌شود چراغ سبز نشان داد و دریوزگی کرد. رفسنجانی به آمریکائی‌ها رهنمود می‌دهد که اگر هنوز به علت "پاره‌ای مشکلات" از جمله کینه مردم ما نسبت به آمریکا و مشکلات افکار عمومی نمی‌توانیم در پیش همگان دست به دست هم بدهیم دور از چشم‌ها، از طریق دوستان مشترک می‌توانیم!

رفسنجانی در همین مصاحبه در پاسخ به سئوال خبرنگار که: آیا در حال حاضر بزرگترین مسئله، افزایش ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس است؟ پاسخ داد: "بزرگترین مسئله فکر نمی‌کنم اینها باشد. اگر نیروهای آمریکائی کار خصمانه‌ای انجام ندهند ما هم کار خصمانه‌ای علیه آنها انجام نخواهیم داد." او بدین ترتیب به آمریکائی‌ها اطمینان می‌دهد که از جانب رژیم ایران خطری متوجه آنها نیست و آن همه عربده‌کشی‌های گوشخراش علیه آمریکا به خاطر فریبکاری و منحرف کردن افکار عمومی مردم ایران صورت گرفته است.

آخوندها با عجله و به طرق گوناگون می‌خواهند آمریکا را مطمئن سازند که از این رهگذر به جریان بازسازی مناسبات پنهانی آنها با آمریکا لطمه‌ای وارد نخواهد شد.

در روزهای نخست لشکرکشی دریائی آمریکا به خلیج فارس و تیرگی مناسبات دوجانبه، ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا، از تماسهای "مستقیم و غیرمستقیم" با رژیم ایران سخن گفت. روزنامه‌ها خبر از ملاقات پنهانی نمایندگان آمریکا و آخوندها در یکی از "کشورهای کوچک ساحلی خلیج فارس"، برای هماهنگ کردن اقدامات‌شان در خلیج، انتشار دادند. در همان حال اخباری مبنی بر ارسال سلاح از آمریکا و اسرائیل به ایران انتشار یافت.

به علاوه گزارشات و اخبار پیرامون ادامه معاملات آشکار و پنهان حول مسئله گروگانها در لبنان نیز همواره ادامه داشته است. رژیم از مذاکره در مورد گروگانها، دستیابی به اسلحه و نزدیکی بیشتر با "شیطان بزرگ" را دنبال می‌کند. در اواخر مرداد ماه رفسنجانی بار دیگر تمایل جمهوری اسلامی برای مذاکره پیرامون گروگانها و معامله روی آنها را اعلام داشت. چند روز پس از انتشار مصاحبه اخیر رفسنجانی روزنامه "ابزرور" نوشت یک هیئت ایرانی به سرپرستی محسن رفسنجانی (پسر آخوند رفسنجانی) با یک هیئت بلندپایه آمریکائی ملاقات کرده است.

همه شواهد حاکی از آن است که تلاشهای رژیم برای تحکیم و توسعه مناسبات با آمریکا هیچگاه قطع نشده است. این تلاشهای آشکار و پنهان یک روی سکه در مناسبات فی‌مابین جمهوری اسلامی و آمریکاست. روی دیگر این سکه را همان سیاست عوامفریبانه به اصطلاح ضدامپریالیستی تشکیل می‌دهد.

اهدافی که رژیم از تبلیغات گسترده ضدآمریکائی پیرامون مسئله حضور کشتی‌ها در خلیج فارس دنبال کرده است، چندگانه بود. در صدر همه این اهداف، با زهم مسئله جنگ و ادامه آن قرار داشت. رژیم خمینی که برای تدارک نیروی انسانی، برای کشاندن کارگران و زحمتکشان به جبهه‌های جنگ کفگیرش به ته دیگ خورده، مجبور است علاوه بر توسل به زور و سرکوب و بگیر و ببند، چاره‌های دیگری هم بیندیشد. رژیم با دامن زدن به جو ضدآمریکائی و تشدید احساسات عمیقاً ضدامپریالیستی توده مردم کوشیده و می‌کوشد که جنگ ارتجاعی خود با عراق را جنگ با آمریکا و جنگ "اسلام با کفر" وانمود سازد.

تبلیغ پیرامون جنگ با آمریکا در خدمت هدف دیگری هم قرار دارد و آن خنثی کردن اثرات رسوا کننده معاملات پشت پرده "ایران گیت" و فرونشاندن خشم مردم از خیانتهای آخوندهای مکار است. رژیم می‌کوشد افشاروسیع مردم را که از ادامه جنگ و خونریزی و کشتار و اعدام، از گرانی و بیکاری و بی‌خانمانی و فساد روزافزون به تنگ آمده‌اند، هر روز با نمایش جدیدی سرگرم کند، افکار عمومی را منحرف سازد و مانع از سرریز و انفجار خشم آنان علیه رژیم شود.

سخنان رفسنجانی بر روشنی نشان داد که برای رژیم ارتجاعی خمینی آنچه که مهم است ادامه جنگ و غارت مردم است و نه حضور ناوگانهای امریکائی در منطقه. درست در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و متحدان ناتوئی آن به تبعیت از نیات تجاوزکارانه خود، بر بستر جنگ طلبی و تشنج آفرینی حکام جمهوری اسلامی، خلیج فارس را به عرصه لشکرکشی‌های تجاوزکارانه تبدیل کرده و مشت آهنینی علیه مبارزات خلقهای منطقه تدارک می‌بینند، رژیم خمینی همچنان تشنج می‌آفریند و بر ادامه گسترش جنگ پافشاری می‌کند.

رژیم خمینی مدتها است به این حقیقت پی برده است که بدون جلب رضایت امریکائی‌ها نمی‌تواند اهداف جنایتکارانه و توسعه‌طلبانه خود را در جنگ با عراق متحقق سازد. رژیم پی برده که بدون برقراری اتحاد مستحکم با غارتگران امریکائی نمی‌تواند به غارتگری در داخل کشور ادامه دهد. از غارتگران داخلی حمایت کند و رژیم منفور خود را سرپا نگه دارد. به همین خاطر رژیم آخوندی ـ بورژوائی خمینی به هر دری می‌زند تا مناسبات دوستانه با امریکا و ارباب سرمایه جهانی را مستحکم‌تر از دور این راه نه تنها حاضر است بر حضور ناوگان امریکائی در خلیج فارس چشم بپوشد، بلکه آماده خیانتهای بازهم بزرگتری است ●

جانبازان راه رهایی خلق

شماره ۱۶۳ "نامه مردم" خبر شهادت یکی از پرسابقه‌ترین رفقای توده‌ای، رفیق جمشید عسگری از مسئولان حزب توده ایران در ملایر را منتشر کرده است. این رفیق هنگام یورش سراسری به حزب دستگیر شده بود و در پائیز سال ۶۲ زیر شکنجه جان باخت. در شماره ۱۶۶ همین نشریه نیز اعلام شده که رفیق صابر انصاری، دهقان انقلابی و از اعضای قدیمی حزب توده ایران که یک سال شکنجه‌های ددمنشانه گزمه‌های رژیم را تحمل کرده بود، سرانجام بر اثر این شکنجه‌ها در زمستان سال ۶۵، جان باخت.

نشریه راه کارگر نیز از شهادت تعدادی از رفقای عضو این سازمان، رفقا: خیرالله کریمی، سیدعباس تنگابنی قزوینی، ولی‌الله حسینی و عبدالله کرمی که در مصاف قهرمانانه با رژیم خمینی به شهادت رسیده و یا سرفرازانه در سیاهچالهای رژیم به جوخه اعدام سپرده شده‌اند، خبر داده است.

با دو خاطره این رفقا، فرزندان قهرمان خلق ایران را گرامی می‌داریم و همه سازمان‌های ترقی‌خواه و انقلابی را به مبارزه‌ای متحد برای نجات جان زندانیان سیاسی فرا می‌خوانیم ●

اعلامیه مشترک:

خروج فوری نیروهای آمریکا و متحدانش از خلیج

قطع فوری جنگ ایران و عراق

اخیراً حزب کمونیست عربستان سعودی و جبهه آزادیبخش ملی بحرین طی اطلاعیه‌ای، تشدید جنگ در خلیج فارس و لشکرکشی امپریالیسم آمریکا به این منطقه را محکوم کرده و با مبارزه خلقها و نیروهای مترقی و صلح‌دوست منطقه در راه صلح و علیه امپریالیسم و ارتجاع ابراز همبستگی نموده‌اند.

در این اعلامیه آمده است: دخالت روبه افزایش دولت‌های امپریالیستی و بخصوص ایالات متحده در امور منطقه که بر اساس اظهارات مقامات امریکائی جهت حفظ "منافع حیاتی آمریکا" و "حفظ" صلح در منطقه و در جهان صورت می‌گیرد، در خدمت تامین حضور نظامی دائمی امریکا در خلیج و تشدید تشنج اوضاع در منطقه است.

اعلامیه اشاره می‌کند که: ادامه جنگ ایران و عراق سبب حضور گسترده نظامی امریکا در خلیج و انعقاد قراردادهای نظامی امریکا با دول ارتجاعی منطقه شده است ... درخواست دولت کویت از امریکا مبنی بر برافراشتن پرچم آن کشور، برفراز کشتی‌های کویتی، و کمک‌های سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج به امریکا، به حضور نظامی امریکا در این ناحیه جنبه به اصطلاح قانونی داده است. دولت کویت و اعضای "شورای همکاری خلیج" در این باره مسئول‌اند.

احزاب مورد بحث موافقت حکومت‌های کویت، عربستان سعودی و بحرین با دادن تسهیلات نظامی به امپریالیسم امریکا را محکوم کرده و اعلام داشتند که این امر ناقض حاکمیت ملی خلق‌های عرب و در جهت تحکیم موقعیت دول ارتجاعی منطقه است.

در اعلامیه آمده است که: امپریالیسم امریکا قصد دارد خلیج را به "خلیج امریکا" تبدیل کند، بر سرنوشت کشورهای منطقه و ثروت‌های خلق‌ها تسلط یابد، موقعیت خود را برای چپاول بازهم بیشتر نفت مستحکم سازد، و خلیج را به پایگاه دشمنی علیه اتحاد شوروی و سیستم‌های سوسیالیستی مبدل سازد.

احزاب ما اعتقاد دارند که ادامه جنگ ایران و عراق باعث افزایش حضور نظامی و ماجراجوئی امریکا در خلیج فارس، عامل تهدید صلح در منطقه و جهان است. ما از طرفین درگیر دعوت می‌کنیم تا با بندی خویش را به قطعنامه اخیر شورای امنیت اعلام داشته و هرچه سریع‌تر جنگ را قطع و به شیوه صلح‌آمیز به حل و فصل اختلافات خود بپردازند.

با جمع آوری
کمک های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید.

آدرس
Pf.10
1091 WIEN
AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA – WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 – 650
DR. GERTRAUD ARTNER

اعلامیه سازمان "پیشگام" بمناسبت

اول مهر ماه

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۷-۶۶، پیامی خطاب به دانش‌آموزان و دانشجویان منتشر کرده است. در این پیام پس از تشریح مشکلات و مسائل دانشگاه‌ها و مدارس و مبارزات دانشجویان و دانش‌آموزان، رهنمودهائی به شرح زیر آمده است:

"دانشجویان و دانش‌آموزان مبارز!

باید در آستانه سال جدید تحصیلی دست در دست هم مبارزات خود را گسترش دهیم. نبرد علیه جنگ و برای صلح را تشدید کنیم. در مقابل اعزام اجباری به جبهه‌ها مقاومت و از کمک به جنگ امتناع ورزید.

ـ در راه "انحلال انجمن‌های اسلامی" این ارگانهای جاسوسی، سرکوب و پرونده‌سازی در دانشگاه و مدرسه، "لغو ضوابط ارتجاعی کنکور و سهمیه‌نهادهای ارتجاعی" به رسمیت شناختن حقوق دانشجویان و دانش‌آموزان برای "ایجاد تشکل‌های صنفی مستقل"، "آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعی در محیط‌های آموزشی" و "برابر حقوقی دختران و پسران در همه عرصه‌های آموزشی" مبارزه کنید.

ـ علیه کمبود و گرانی نوشت‌افزار اعتراض کنید، مسئولین را تحت فشار بگذارید تا لوازم التحریر را به قیمت ارزان تامین و از طریق تعاونی‌های دانشجوئی و دانش‌آموزی توزیع کنند.

ـ در راه دستیابی به سالن‌های صنفی، در مدارس، علیه کمبود معلم و فضای آموزشی، معلمین بی‌صلاحیت مکتبی، تنبیه بدنی و تحقیر و توهین دانش‌آموزان، اخذ شهریه و هزینه دیگر اخاذی، در دانشگاه‌ها، علیه کمبود خوابگاه، وضعیت دشوار و غیرانسانی زندگی در خوابگاه‌های موجود، کیفیت بد و گرانی غذا در سلف سرویس‌های دانشگاه، کمبود استاد، گرانی قیمت کتابها و جزوه‌های درسی دانشگاهی، و در دانشگاه آزاد، برای پائین آوردن شهریه، تعیین تکلیف مدرک تحصیلی و خواسته‌های دیگر مانند معافیت حین تحصیل از خدمت نظام وظیفه، تمرکز دانشکده‌های مختلف در هر شهر و بهبود امکانات آموزشی و رفاهی مبارزه کنید.

ـ از مبارزه معلمین و استادان دلسوز و مترقی حمایت کنید و آنها را به پشتیبانی از خود فرا خوانید.

ـ دانشجویان و دانش‌آموزان پیشگام باید ایجاد واحد مخفی سازمانی در دانشگاه‌ها و مدارس مهم حضور فعال و موثر خود را در این مراکز تامین نمایند.

ـ کمبود هسته‌های مخفی صنفی همچنان ضعف بزرگ مبارزات دانشجوئی است. دانشجویان پیشگام باید در جهت ایجاد دو تحکیم هسته‌های مخفی دانشجوئی با شرکت فعالین صنفی بکوشند، باید تلاش کرد تا همکاری همه دانشجویان و دانش‌آموزان با گرایشات گوناگون سیاسی و عقیدتی و اتحاد همه نیروهای ترقی‌خواه در دانشگاه‌ها و مدارس تامین شود.

ـ از هر امکان علنی مثل شورای خوابگاه، تیم‌های ورزشی و برگزاری مسابقات، محافل تفریح و گردش در روزهای تعطیل و فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای نزدیکی و اتحاد دانشجویان و دانش‌آموزان و سالم کردن محیط‌های آموزشی استفاده کنید. اجازه ندهید که مزدوران رژیم این فعالیت‌ها را در انحصار و کنترل خود آورند.

ـ در مبارزه خلق برای آزادی، فعالانه مشارکت کنید. به حمایت و همبستگی با مبارزه زندانیان سیاسی اقدام کنید. علیه استبداد دوسرکوب کارگران، زحمتکشان، خلقها و اقشار مختلف مردم در همه جا افشاگری و مبارزه کنید.

سال جدید را به سال گسترش اتحاد و مبارزه در دانشگاه و مدارس و تشدید نبرد علیه جنگ و علیه رژیم خمینی بدل سازیم ●

پیروز باد مبارزهٔ خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!